اندیشه نیک
گفتار نیک
کردار نیک

پارس نامه

پارس نامه ماهنامه خبری پژوهشی تحلیلی
سال چهارم - شماره سی و چهار- فروردین ۱۳۹۱
Parsnameh - No.34 - April. 2012

۳ زمان برگزاری امتحانات دینی اعلام شد

۶ روحانیون از نگاه اشوزرتشت

۷ زرتشتیان میزبان گردشگران نوروزی

۸ نغمه ادو

سرمقاله

انجمن زرتشتیان تهران و راه آینده

انجمن زرتشتیان تهران، مدتی است که در یک رویکرد یا به عبارتی سیاست جدید، تصمیم گرفته است همکیشان را در بخش مالی برخی از طرح ها و برنامه ها سهیم کند و در واقع از بار مالی خود بکاهد.شاید شروع اجرای این تصمیم ها برداشتن بخشی از یارانه سرویس مدارس زرتشتی و اندکی پس از آن اعلام شهریه دو برابری برای کلاس های دینی بود. موضوعی که در زمان خود حرف و حدیث های بسیاری در پی داشت تا جایی که با مداخله نماینده و برعهده گرفتن تامین شهریه، این موضوع خاتمه یافت.

امسال در جشن فروردینگان انجمن در اقدامی دیگر، بخشی از تامین هزینه های اتوبوس های رفت و آمد به آرامگاه را برعهده همکیشان گذاشت به گونه ای که ابتدا سخن از گرفتن سه هزار تومان برای هر نفر شد اما واکنش ها سبب شد که سرانجام مبلغ هزار تومان در نظرگرفته شود وپرداخت آن نیز به اختیار همکیشان گذاشته شد (اگرچه در برخی مسیرها این مبلغ از همه گرفته شد و برخی از همکیشان نیزدر مسیرهای دیگر با توجه به جو آشنایی و رودر بایستی ها این مبلغ را پرداخت کردند.)

به هر ترتیب اکنون، گروهی دادن یارانه از سوی انجمن را گداپروری معنا کرده و براین باورند که انجمن چنین وظیفه ای ندارد و تاکنون هم لطف کرده! این گروه داد سخن می دهند که هزار تومان و سه هزار تومان مبلغ قابلی نیست و مشارکت و پرداخت هزینه ها وظیفه همکیشان است و گروهی نیز نام قشنگ همازوری بر آن گذاشته و ....

انجمن زرتشتیان تهران، از دیرباز جزو نخستین انجمن های مهم و اساسی جامعه ما بوده است. بزرگان بسیاری با اعتماد به این انجمن دارایی و سرمایه خود را با هدف سرمایه گذاری و مصرف آن برای رفاه حال همکیشان در اختیار انجمن گذاشته و در واقع یکی از دلایل بقای جامعه و رفاه نسبی، همین سرمایه گذاری ها و خیرخواهی ها بوده است .

امروز، نیز با وجود همه مشکلات، این روند ادامه دارد،نگاهی به لیست مبالغ اهدایی گواه این موضوع است، مبالغی که حتی با نیت (مثلا صرف امور دینی یا...) اهدا می شود و حالا اگر پرداخت هزینه رفت و آمد به مراسم دینی فروردینگان، برگزاری کلاس های دینی و... امر دینی نیست پس جای مصرف این مبالغ اهدایی کجاست؟

اگر امروز انجمن با سوء مدیریت های سالیان گذشته و شرایط سخت اقتصادی کنونی دچار مشکلات اقتصادی شده و یا پیش بینی می کند که بشود، آیا اجازه چنین کاری را دارد؟ آیا اجازه دارد کاملا حق به جانب پرداخت هزینه ها را از سوی خود گداپروری بنامد و در کمال قدرت از نبود بودجه و... بگوید؟ آیا رسم امانت و امانتداری ما را به اینجا رسانده، آن هم در زمانه ای که بیش از هر وقت دیگر نه تنها جوانان و نوجوانان ما در عرصه های مختلف که بسیاری از سالمندان و افراد آبرو دار جامعه دچار مشکلات مختلفی هستند و نیازمند حمایت های ویژه .

آیا بهتر نیست مسوولان جامعه با تصمیم گیری های درست ،سرمایه گذاری های بجا و دریافت کمک و همراهی از خیر اندیشان- که در جامعه ما کم نیستند- فرهنگ همراهی،حمایت و عشق ورزی را ترویج کنند و نه...

تصمیمات امروز آینده ساز فردای جامعه ماست.

همزمان با روز خورداد ازماه فروردین

جشن زایش اشوزرتشت برگزار شد

جشن زایش اشوزرتشت، بزرگ پیامبر ایرانی، روز ششم فروردین، در تمام شهرهای زرتشتی نشین و با باشندگی جمع زیادی از همکیشان، با شکوه هر چه تمام تر برگزار شد.

عکس از: مهربان افسر کشمیری

در تهران این جشن در مجموعه مارکار تهرانپارس با اجرا ی برنامه های مختلف فرهنگی- هنری برگزار شد.

در این مراسم دکتر رستم خسرویانی، فرنشین انجمن زرتشتیان تهران، با اشاره به سپری شدن ۳۷۵۰ سال از پیامبری اشوزرتشت، گفت:«سده ها از روزگار اشوزرتشت گذشته است. اما هنوز سخن و پیام او تازه، دلنشین و انسان ساز است.

خسرویانی، در ادامه به مسایل پیش روی انجمن زرتشتیان پرداخت و گفت:«انجمن زرتشتیان تهران، اکنون دوره «فترت» خود را می گذراند. فترت به معنی سستی و کاهلی است، نه این که ما کاهل و سست شده باشیم، بلکه این فترت از آن روست که گردش ۴۱ رو به پایان است و جز به کارهای جزیی و روزمره نمی توان پرداخت. کارهای بزرگ را باید زمانی انجام داد که گردش ۴۲ آغاز به کار کرده باشد.

وی با اشاره به باشندگی گسترده همکیشان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، آن را، نشان دهنده هوش و دلبستگی آنها به جامعه خود دانست و با اشاره به این که نماینده برگزیده زرتشتی با رای بسیار خوب و شایسته ای به مجلس راه یافته است، برای او در پیشبرد آرمان های جامعه زرتشتی، آرزوی پیروزی کرد.

در ادامه این مراسم دکتر مهران سپهری، نایب رئیس انجمن درمورد تاریخ سخن گفت و بانو توران شهریاری، چکامه ای از سروده های خود را به نام «ستایش زرتشت» خواند. این جشن با اجرای تئاتر، موسیقی و برنامه های شاد دیگر ادامه یافت .

در یزد، آیین جشن زایش اشو زرتشت در محله های مختلف زرتشتی نشین با اجرای برنامه های مختلف شاد و هنری و سخنرانی مسوولین جامعه از جمله روسای انجمن ها برپا شد.

در این روز دکتر اسفندیار اختیاری، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی در جشن محله های مختلف از جمله کوچه بیوک، تفت، محله و ... حضور یافت. وی در سخنان خود در این روز ضمن شادباش آغاز سال نو و اشاره به ۳۷۵۰ سالروز پیام آوری اشوزرتشت، از حضور مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخاب دوباره وی به عنوان نماینده ایرانیان زرتشتی در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی سپاسگزاری کرد.

در کرج همزمان با جشن زایش اشوزرتشت، سه تن از نوجوانان زرتشتی زاده به جرگه بسته کشتیان پیوستند.

در اصفهان ، شیراز ،کرمان و اهواز نیز همکیشان با تدارک برنامه های مشابه جشن وسرور این روز بزرگ را گرامی داشتند.

بررسی مشکلات وقف با رییس سازمان حج و اوقاف

مشکلات و مسائل مربوط به وقف در جامعه زرتشتی با حضور دکتر اختیاری و رییس سازمان حج و اوقاف بررسی می شود.

در پی نطق میان دستور دکتر اسفندیار اختیاری نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، که در آن از مشکلات املاک وقفی زرتشتیان و عدم همکاری و همراهی مسوولان در این عرصه ، سخن گفته بود، رییس سازمان حج و اوقاف کل کشور به مشکلات وقفی زرتشتیان رسیدگی می کند.

بنا براین گزارش، قرار است در نشستی در اردیبهشت ماه مشکلات املاک و موقوفات زرتشتیان با حضور دکتر اختیاری و رییس سازمان حج و اوقاف کشور رسیدگی شود.

پیش از این نشست، این مشکلات با حضور روسای انجمن ها واشکافی می شود.

زمان برگزاری امتحانات دینی سازمان فروهر اعلام شد

سازمان فروهر، زمان برگزاری امتحانات پایان سال تحصیلی کلاس های دینی را اعلام کرد.

براین اساس، دانش آموزان مقطع دبستان ساعت ۱۰ روزآدینه ۱۵ اردیبهشت ماه در سازمان فروهر آزمون خواهند داد.

امتحان دانش آموزان مقاطع اول و دوم راهنمایی و اول و دوم دبیرستان و سوم کاردانش نیز ساعت ۱۰ صبح روز آدینه ۲۲ اردیبهشت ماه در سازمان فروهر برگزار می شود.

بنا بر این اعلام ، آزمون مقطع تحصیلی پیش دانشگاهی ساعت ۶پسین چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت در سازمان فروهر برگزار می شود.

امتحانات کلیه مقاطع تحصیلی به جز دوم و سوم دبستان به صورت کتبی است.

همچنین امتحانات دینی مقاطع سوم راهنمایی و سوم دبیرستان به صورت جامع و نهایی برگزار می شود.

● برگزاری مسابقات تخته نرد

مسابقات تخته نرد جام اردیبهشتگان یادواره روانشاد داریوش فروهری در کرمان برگزار می شود.

این بازی ها از چهارشنبه ۶ اردیبهشت ماه آغاز می شود و علاقه مندان می توانند با مراجعه به باشگاه اردشیر همتی و پرداخت مبلغ نام نویسی تا تاریخ دوشنبه ۴ اردیبهشت ماه نام نویسی کنند.

محل برگزاری مسابقات باغچه بوداق آباد است و به نفرات برتر جوایز ارزنده ای پیشکش خواهد شد.

● انتشار کتاب «تحقیق وتفحصی درباره قاسم آباد»

کتاب «تحقیق و تفحصی در باره قاسم آباد (از نظر تاریخی ، جغرافیایی و انسانی از بدو تاکنون)» ، به همت سهراب اختری منتشر شد. این کتاب که از سوی چاپ خرمی و در ۱۵۵ صفحه به چاپ رسیده است در بردارنده گفت و گوهای متفاوتی از افراد مختلف و ریش سفیدان قاسم آباد یزد است. اختری، هدف از انجام این کار را وجود یک یادگاری از روستای قاسم آباد و درسی برای آیندگان این محله دانست تا همگان ببینند در گذشته قاسم آبادی ها چگونه زندگی می کردند، چه مشکلاتی داشته و چه فعالیت هایی انجام داده اند.

● ۴ نامزد برای دریافت پاداش واستار

چهار دانشجوی پسر برای دریافت پنجمین پاداش واستار رقابت خواهند کرد. بر اساس این اعلام ، سه تن از این چهار نفر در دانشگاه های استان تهران و یکی در دانشگاه های استان یزد مشغول به تحصیل هستند و توانسته اند مرحله نخست را با کامیابی پشت سر بگذارند.

بنا براین گزارش، دو نفر از این دانشجویان دارای طرح پیشرو در زمینه فناوری و مکانیک هستند، یک نفر با پژوهشی در زمینه فناوری اطلاعات نامزد شده است و دیگری نیز به سبب دریافت گواهینامه ها و مدارج بالا خود را شایسته این جایزه دانسته است.

به زودی مرحله دوم بررسی فعالیت های این

به یاد درگذشتگان ؛ هیرمبا

امسال نیز آیین هیرومبا با حضور جمع پر شماری از همکیشان با باشندگی در زیارتگاه پیر هریشت آغاز و با افروختن آتش هیرومبا در آتشکده شریف آباد یزد به پایان رسید.

«هیرومبا» یکی از آیین‌هایی است که هر سال در شریف‌آباد و در روز اشتاد ایزد از ماه فروردین(۲۶فروردین) برگزار می‌شود. برخی از پژوهشگران بر این باورند که، پس از یورش اعراب به ایران، چون کبیسه‌ها را به شمار نیاوردند، این جشن که همان سده است به روز اشتاد از فروردین ماه منتقل و پس از آن با در نظر گرفتن کبیسه، هم اکنون هر سال در این روز با شکوه هرچه بیشتر برگزار می‌شود.

امسال نیز مطابق رسم برگزاری این آیین، جمع زیادی از همکیشان با پای پیاده و سواره راهی پیر هریشت شدند.

رسیدن و هنگامه زیارت پیر هریشت، بوی عود و کندر،جعبه های شیرینی،شیشه های روغن و شمع های افروخته، هر کدام در پی بر آورده شدن حاجتی یا خواست وتمنای شدنی.نوای نیایش وستایش ،حضور بانوان با لباس های رنگارنگ محلی و گه گاه صدای دایره و آمدن نوعروس و دامادی در میان شادی و هلهله باشندگان. وچه شوری و سروری.

کمی بعد تر ،پس از دعا و نیایش ، آبگوشت و خوراک قلیه با همکاری یکدیگر و عده ای از همکیشان که از روز قبل در آنجا برای انجام تدارکات حضور یافته بودند، تهیه شد. آبگوشت و خوراکی که حاصل برآورده شدن نذرهای مختلف همکیشان و اهدای

نذری آنهاست از گوسفند گرفته تا نخود و لوبیا و... .

و سپس راهی بیابان شدن برای جمع آوری هیزم هیرمبا.هنگامه پسین، همکیشان به بیابان های اطراف پیر رفته و به جمع آوری هیزم برای آتش هیرمبا پرداختند و سر انجام پس از برگزاری مراسم جشن و شادی ، چوب زدن کسانی که اولین بار آمده بودند ، تبریک تازه عروس و دامادها ، راه بازگشت در پیش گرفتند.

سر انجام در آتشکده شریف آباد هیمه ها را بر هم نهادند ، دست در دست هم دور خرمن هیزم ،یاد و نام همه درگذشتگان را از اشوزرتشت تا همه جان باختگان ایران زمین و این سرزمین را با فریاد هیرومبا گرامی داشتند.

آتش هیرومبای امسال نیز توسط موبدان شعله ور و آوای ستایش و نیایش خداوندو بوی خوش عود و کندر همه جا را در بر گرفت.

جشن اردیبهشتگان برگزار می شود

همزمان با روز اردیبهشت از ماه اردیبهشت،اردیبهشتگان‌دومین‌جشن ماهانه زرتشتیان برگزار می‌شود.

در تهران این برنامه از ساعت ۱۷ در آدریان تهران و با اوستا خوانی موبدان برگزار می شود.

در شیراز، زرتشتیان شیراز، اردیبهشتگان را با برگزاری آیین گهنبار در آتشکده فیروز آباد جشن می گیرند.

در سایر شهرهای زرتشتی نشین نیز این جشن به همراه برپایی مراسم دینی برگزار می شود.

جشن اردیبهشتگان ، ویژه «اشه‌وهیشته» یا بهترین اشویی است. جشنی ویژه امشاسپند

اردیبهشت. اردیبهشت در جهان مینوی نماینده پاکی ، راستی ، نظم و قانون اهورایی است و در گیتی نگهبان آتش است. «اشه وهیشته» که واژه اوستایی اردیبهشت است، از «اشه» و «وهیشته» ساخته شده است. «اشا»به معنای قانون و آیین ایزدی، راستی و درستی، پاکی و ... است. «وهیشته» ، به چم «بهترین» است و اینگونه است که «اردیبهشت»، «بهترین راستی و درستی» معنا شده است.

۲۲ اردیبهشت ماه برگزار می شود: دومین همایش رستار

دومین همایش رستار، آدینه ۲۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ همزمان با زادروز روانشاد رامین رستم شهرت در یزد برگزار می شود.

در فراخوان این همایش آمده است: همایش رستار از پژوهشگران دعوت می کند تا با شناخت جامعه، راهکارهایی را برای پیشرفت جامعه ارائه دهند. رستار معتقد است که جامعه زمانی آماده پیشرفت است که ابتدا کاستی های خود را بپذیرد و سپس برای درمان آنها بکوشد نه آنکه کمی هایش را پنهان کند، آنچنان که وجود ندارند.

در دومین سال برگزاری، همایش رستار جسارت این را به خود داده است تا به سراغ آنچه از درون هازمان را تهی می سازد و کمتر کسی از ان حرفی به میان می آورد، برود. جامعه زرتشتی چه بخواهد و چه نخواهد جزئی از جامعه ایرانی است و خواسته یا ناخواسته بیشترین تاثیرها را از محیطش می گیرد، پس همچنان که جامعه بزرگ ایران درگیر آسیب های اجتماعی گوناگونی همچون بیکاری، اعتیاد، فقر، طلاق، فحشا، سرقت، قاچاق و.... است، زرتشتیان ایران نیز کم و بیش با آنها درگیر هستند.

دومین همایش رستار جایگاهی خواهد بود، برای بررسی حرف های تلخ درگوشی، حرف هایی که نه تایید می شوند و نه رد می شوند، حرف هایی که اگر اکنون به فکر درمانش نباشیم، شاید فردا دیر باشد، آری این بار قرار است به حرف های درگوشی توجه کنیم، این بار می خواهیم زخم ها را، چه کوچک و چه بزرگ، ببینیم و به دنبال مرهمی باشیم.

رستار از پژوهشگران علاقه مند زرتشتی، همکیشان درگیر با این آسیب های اجتماعی، هموندان نهادها و انجمن های زرتشتی و افرادی که در این زمینه تجربه، راهکار یا مشاهداتی دارند دعوت به عمل می آورد تا با تهیه نوشتارهایی به بررسی، واشکافی و ارائه درمان برای آسیب های اجتماعی بپردازند.

مهلت ارسال نوشتارها تا ۱۲ اردیبهشت ماه خواهد بود. شرکت همکیشان در این همایش آزا د است.

رستار در کلام به معنی نجات یافته، رستگار و آگاهی یافته است و نخستین دوره این همایش که به دنبال رستگاری هازمان زرتشتی است با موضوع ویژگی های جامعه آرمانی زرتشتیان ایران سال گذشته برگزار شد.

جشن فروردینگان، با باشندگی جمع بسیاری از همکیشان در آرامگاه های زرتشتیان شهرهای زرتشتی نشین پاس داشته شد.

جشن فروردینگان، با فلسفه پاسداشت فروهر پاک همه درگذشتگان، امسال نیز

۱۹ فروردین برگزار شد:

آیین جشـــن فروردینگان

توسط انجمن ها و با تلاش ویاری همکیشان پاس داشته شد.

در تهران در روز فروردین، آرامگاه قصر فیروزه پر از همکیشانی بود که به یاد عزیزان از دست رفته شان حضور داشتند. در این روز مراسم اوستا خوانی برگزار و یاد ونام همه درگذشتگان گرامی داشته شد.

دریزد این جشن با اوستاخوانی هفت موبد: مهربان آفرین، پرویز مالی، کامران لریان، شاه بهرام بلیوانی، رستم کاووسیان زاده، سروش خداپرستی و کیخسرو فرودیان در آرامگاه زرتشتیان یزد برگزار شد و از همکیشان با لرک، میوه و آش، پذیرایی به عمل آمد.

در شیراز،کرمان، اصفهان و اهواز نیز همکیشان با یاد درگذشتگان این روز را گرامی داشتند.

افراد آغاز خواهد شد.

پاداش واستار یک پاداش با ارزش مادی بیست میلیون ریال است که هر سال به یکی از جوانان یا نوجوانان زرتشتی زیر بیست و پنج سال پیشکش می شود.

● جشن زایش روانشاد دکتر کسرا وفاداری درخانه کسرا

نهم فروردین ماه، همزمان با زادروز روانشاد دکتر کسرا وفاداری، مراسم یاد بودی با حضور همکیشان و شاگردان آن روانشاد برگزار شد.

دکتر کسرا وفاداری،استاد ایرانشناسی دانشگاه سوربن فرانسه و از پژوهشگران و فعالان اجتماعی جامعه زرتشتیان ایران بود که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ در خانه شخصی اش در فرانسه به دلیل نامعلومی کشته شد.

خانه سه نیک(کسرا) از یادگارهای آن روانشاد، امسال نیز در نهمین روز سال جدید میزبان دوستداران روانشاد کسرا بود که یاد و نامش را گرامی داشتند.

● برگزاری سی امین سال روانشاد دستور خداداد نیروسنگی

مراسم سی امین سال درگذشت دستور خداداد نیروسنگی، از موبدان بزرگ شریف آباد، با باشندگی شمار زیادی از همکیشان شریف آبادی در سالن اجتماعات آتشکده شریف آباد برگزارشد.

دستور خداداد نیروسنگی، پدرش موبد شهریار نامدار و مادرش آبنئیر خدارحم، در محله دستوران یزد متولد شد. در سن ده سالگی برای تحصیل عازم هندوستان شد. وی از مدرسه کاموآتورنان به مقام موبدی نوزوت گشت.

وی پس از بازگشت از هندوستان در محله دستوران، به عنوان معلم دینی و پس از مدتی در شریف آباد اردکان یزد به عنوان دستور شروع به کار کرد.

وی توانست با تلاش های خود مجوز نخستین دفتر ازدواج زرتشتیان را به ثبت برساند.

روانشاد دستور خداداد نیروسنگی ۳۰ سال پیش به رحمت ایزدی پیوست.

● تقدیر از جوانان برتر حسن آبادی

برنامه تقدیر از دانش آموزان حسن آبادی برتر کنکور، چهارشنبه دومین روز از سال جدید، در درمهر این محله، برگزار شد. این مراسم به مناسبت یادواره روانشاد شهدخت زندی سه سال است که برگزارمی شود.

در این مراسم که با حضور دکتر اسفندیار اختیاری نماینده ایرانیان زرتشتی برگزار شد از قبول شدگان کنکور، به این شرح قدردانی شد: فرزاد نیک فر- مهندسی صنایع یزد، مهیار شاهد- حسابداری، اردشیر زندیان- کارشناسی کامپیوتر، فریما دماوندی - مهندسی شیمی علوم تحقیقات، دادبه نمیرانیان - کارشناسی ارشد، بهناز نمیرانیان - کارشناسی ارشد، شهاب ماندگاری- حسابداری، پریناز کیان پور- معماری شیراز، مهبانو فرامرزی - فیزیک هسته ای.

دکتر اختیاری در مجلس شورای اسلامی خواستار شد:

حل مشکلات استخدام، وقفی و اصلاح قانون ۸۸۱ مکرر

بر اساس قانون مجلس شورای اسلامی ، هر نماینده در طی ۴ سال حضور خود در مجلس شورای اسلامی، دو بار می تواند نطق میان دستور داشته باشد.
بر این اساس دکتر اسفندیار اختیاری در ۱۵ فروردین ماه امسال و در نخستین نشست مجلس بعد از تعطیلات سال نو دومین نطق خود را در مجلس شورای اسلامی ایراد کردند.
وی در این نطق برتوجه و همکاری بیشتر در موضوع وقف، احترام به جایگاه اقلیت ها و رفع برخی مشکلات به ویژه در امور استخدامی ،توجه و اقدام برای طرح اصلاح قانون ۸۸۱ مکرر قانون مدنی تاکید کرد.

آنچه در پی می آید رو نوشت سخنرانی ایشان در این دوره از مجلس شورای اسلامی است :

خشنه اتره اهورهه مزداو
اوشتا اهمایی،یهمایی ، اوشتا کهمایی چیت
«به نام دانای بزرگ هستی بخش»
«خوشبختی از آن کسی است که خواستار خوشبختی دیگران باشد»
اشوزرتشت اسپنتمان، گاتها، هات ۴۳، بند ۱

درود به روان بنیانگذار انقلاب که همیشه در سخنان خود بر «ملت واحده» تاکید داشتند.«ملت» از چهار ویژگی جغرافیا، زبان، تاریخ و اقتصاد شکل می گیرد و چنانچه مردم به جایگاهی برسند که به دور از گرایش‌های مختلف، خود را هم‌میهن بدانند، آن‌گاه می‌توان آنها را یک ملت یگانه دانست. افتخار ایرانیان آن است که دارای حس همبستگی، فرهنگ، تمدن و تاریخ مشترکی اند و خصوصیاتی همچون هوشمندی، آزادگی، تاریخ سازی و دقیق بودن بخشی از ویژگی های ملت واحده ایران است. بنابراین نباید این مفاهیم نهادینه شده علمی را دستخوش سطحی نگری کرد و از یاد نباید برد که «ملت واحده» با وجود همه اقوام، مذاهب و ادیان معنا پیدا می کند.

درود به رهبر گرانقدر انقلاب که سخنان مهم ایشان در دیدار با نمایندگان زرتشتیان سراسر جهان که نشان دهنده اعتقاد و اعتماد به این ایرانیان پاک نهاد است، هیچگاه از یادها نخواهد رفت. اما جای بسی تعجب است که با این تاکید و تایید در کنار حمایت مسئولین رده بالای نظام، گروهی بی هیچ دلیلی به دفعات متعدد تهمت زنی و بی مهری به ما هم میهنان و حتی فرهنگ ایران را در دستور کار خود قرار داده اند. از سازمان های مربوطه می خواهم این افراد که آگاهانه و یا ناآگاهانه این اعمال غیرقانونی را انجام می دهند را به سمت اجرای قانون هدایت کنند و از تمام ارگان ها نیز می خواهم به اصل ۱۳ قانون اساسی که به صراحت و شفافیت آزادی ایرانیان غیرمسلمان را تضمین می نماید، پایبند باشند و در راستای اجرای آن قدم بردارند.

درود به این مرز پرگهر از شرق تا غرب، از شمال تا خلیج همیشه پارس و درود به فروهر پاک جان باختگان یا شهدای تا ابد جاوید راه ایران زمین که ایران را با تمام مفاهیم بسیار غنی آن پاس داشتند. عزیزانی که این مرز و بوم را نگاهبان بودند و به عنوان یک میراث گرانبها به دور از کشمکش های سیاسی برای ما به ارمغان گذاردند. سرورانی که به ما یادآوری کردند که دوست داشتن وطن، به دور از مفاهیم افراطی آن که هیچگاه مورد تایید نبوده است، نشانه ای از ایمان است و در این راه از نثار جان خود نیز دریغ نکردند.

و درود به تمام همکیشان گرامیم، زرتشتیان یکتاپرست، خوشنام و پرافتخار که در هر مکان و زمانی که باشند، فر ایران از آرمان های آنها است و تاریخ بر آن گواهی می دهد. ضمن شادباش سه هزار و هفتصد و پنجاهمین سال پیامبری اشوزرتشت اسپنتمان به تمام بهدینان، از اینکه مجددا به من اعتماد کردند تشکر و قدردانی می کنم و در مقابل بزرگی این بزرگ منشان سر تعظیم فرود می آورم.

سال نو و نوروز باستانی جشنی پرمعنا و فرهنگی است که ایرانیان آن را به جهانیان هدیه دادند و در دل خود دوستی، صلح، انسانیت، اخلاق، برابری و راستی را بانگ می زند، این نگاه با هیچ مکتب و نظامی در تضاد نبوده و می تواند سنگ بنای واقعیت ها و آرزو ها باشد، را به تمام انسان های نیک اندیش، نیک گفتار و نیک کردار خجسته باد می گویم.

اما در این فرصت اندک لازم می دانم چند نکته دیگر را نیز یادآوری کنم تا جهت رفع آن اقدام گردد:

۱- یکی از آیین های پسندیده که ایرانیان از دیرباز به آن توجه داشته اند، فرهنگ داد ودهش و دستگیری از نیازمندان است که بخشی از آن با نام «گهنبار»، «اشوداد» یا همان «وقف» شناخته می شود. سنتی که ریشه در تاریخ چند هزارساله ایران دارد و جنبه های انسانی و مذهبی آن پررنگ تر از دیگر موارد است. ایرانیان زرتشتی نیز بر اساس آموزه های دینی خود از دیرباز به آن توجه ویژه داشته اند. به عنوان مثال بخش عمده ای از موقوفات شهرهای یزد و کرمان و بخش وسیعی از شرق تهران بر همین اساس توسط زرتشتیان وقف شده و متعلق به آنان است. موقوفاتی که گستردگی زیادی را شامل می شوند از مدارس، آموزشگاه ها و مکان های بهداشتی و درمانی که برای استفاده عام وقف شده اند تا موقوفاتی که خاص زرتشتیان است. در دوره های مختلف تاریخ از زمان ساسانیان و سامانیان تا به حال برای اجرا و نظارت درست این سنت و آیین دینی و اجتماعی ساختارهای مدیریتی خاص طراحی و از آن حمایت های قانونی ویژه ای می شده است. در حال حاضر نیز سازمان اوقاف و امور خیریه این مهم را برعهده دارد. نکته قابل تامل در این موضوع این است که با توجه به زحمات بسیار زیادی که مسئولین و مدیران این نهاد متقبل می شوند هنوز کاستی هایی در اجرای وقف نامه و نیت نامه ها وجود دارد. به گونه ای که رهبر گرانقدر انقلاب در دیدار ماه گذشته مدیران سازمان اوقاف تاکید کردند مهمترین مسئله در وقف، عمل امینانه نسبت به موضوع وقف و ادای صحیح حق واقف در مورد موقوفه اش است.

با این تاکید بسیار صریح و احکام شرعی و قانونی واضح در مورد این موضوع مهم، متاسفانه افراد حقیقی و حقوقی، مدیران بخش دولتی و خصوصی به خود اجازه داده پا را فراتر از قانون گذارده و حتی با پیگیری های سازمان اوقاف و امور خیریه بر اجرای وقفنامه، از کنار آن بگذرند و موقوفات زیادی از دست متولیان اصلی آن خارج شود. بنابراین از سرپرست این سازمان مهم دینی، اجتماعی می خواهم با جدیدت و با قاطعیت بر اجرای صحیح وقف نامه کوشش کند و لازم است کلیه ارگان ها نیز همراه و همیار با این سازمان باشند.

۲- در مجلس هشتم اولین طرحی که اعلام وصول شد، طرح اصلاح قانون ۸۸۱ مکرر قانون مدنی بود. قانونی که اجرای آن شان و منزلت انسانی ادیان مورد تایید در قانون اساسی را مورد تهدید قرار داده است. قانونی که اصلاح آن مورد تایید سران سه قوه نیز قرار گرفته است. اما مشخص نیست چرا با توجه به رایزنی های مختلف و پیگیری مستمر در طول عمر چهار ساله مجلس هشتم اقدامی جهت حل این معضل اجتماعی انجام نگرفت. چرا کمیسیون قضایی مجلس مطابق آیین نامه داخلی، این طرح را بررسی نکرد و چرا اولین طرح وصول شده مورد بی مهری قرار گرفته است؟ پاسخ به این سوالات بخشی از عملکرد مجلس را نشان می دهد.

۳- متاسفانه توسعه مشارکت ایرانیان غیرمسلمان در اداره کشور به صورت ملموس مشاهده نمی شود. این بر خلاف اصول قانون اساسی است. از همه وزارتخانه ها و دستگاه های ذیربط می خواهم با برداشتن موانع و مشکلات در این رابطه و با به کارگیری این افراد با تجربه و تحصیل کرده در جایگاهی درست، موجب سربلندی بیش از پیش میهن عزیزمان گردند.

در پایان آرزو دارم با اندیشه نیک، گفتارنیک و کردارنیک، کنار یکدیگر به مانند یک ملت یگانه و با پیمودن مسیر راستی که تنها راه رسیدن به اهداف است، در جهت دوستی و برابری و سازندگی ایران بزرگ و عزیز کوشش نماییم.

ایدون باد

دکتر اسفندیار اختیاری

نماینده ایرانیان زرتشتی

۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۱

آموزش هنر

●●● پریا خداداد کوچکی

امروزه هنر و روانشناسی رابطه نزدیکی با هم پیدا کرده اند به گونه ای که به وسیله هر یک می توان به دیگری دست پیدا کرد. در واقع امروزه، برای پژوهش های روانشناسانه از مقوله هنر بسیار کمک گرفته می شود و رشته های مختلف هنری نیز برای گسترش بسیار از بحث های روانشناسانه سود برده اند.

در جامعه ما خانواده های بسیاری ،همواره درگیر چگونگی آموزش فرزندان خود در رشته های مختلف به ویژه هنری هستند. شاید بد نباشد کمی در مورد آموزش هنر به کودکان بگوییم.

● چرا آموزش هنر؟

در تحقیقات جدید روانشناسان، هنر به عنوان یک امر اساسی در شکل گیری شخصیت کودکان و فرزندانمان نام برده شده است زیرا خلاقیت فرزندان را بالا برده و کودکان ما را به گونه ای بار می آورد تا بتوانند تحت فشارهای روزمره ،خود به آرامش درونی برسند. در واقع هنر در اینجا نقش درمانی و یا پیش گیری از مشکلات روانی که امکان دارد کودکان ما در آینده به آن دچارشوند را، دارد همانطور که گفته شد خلاقیت یکی ازبارزترین نتایج آموزش هنر به حساب می آید شاید بد نباشد کمی از ویژگی های فرد خلاق بگوییم.

● ویژگی های فرد خلاق

- انگیزه بالایی برای پیشرفت دارد
- دارای قوه تخیل بسیار بالایی است
- در انجام تصمیم گیری ها انعطاف پذیراست
- به موضوعاتی توجه می کند که دیگران به آن توجه نمی کنند
- افراد خلاق از هوش بالاتراز حد متوسط برخوردارند
- در مواردی برای حل یک مساله می توانند چندین راه حل داشته باشند و...

حال می توان درک کرد که وجود خلاقیت می تواند یک امر اساسی در رشد و پرورش فرزندان به حساب آید که می توان گفت هنر و آموزشش می تواند تنها راه پرورش آن در

کودکان باشد .هر آموزشی نیاز به آموزش دهنده دارد که برای کودکان بهترین مربی، مادر معرفی شده و بهترین فضای آموزشی خانه به حساب می آید. زمانی که کودکی متولد می شود از همان بدو تولد تا ۵ سالگی بیشترین آمادگی را برای یادگیری و تاثیرپذیری دارد.در اینجا حتی لالایی های شبانه هم می تواند یک آموزش کلامی به حساب آید که کم کم مضمون این اشعار به کودکان تصوری از دنیایی که در آن زندگی می کنند را می دهد.

متاسفانه در جامعه ما برای آموزش کودکان کمی دیراقدام می شود در حالی که این آموزش نباید به طور تحمیلی بلکه باید به طور آزادانه به کودک داده شود تا بتواند با آن، خلاقیت خود را گسترش دهد.

یکی از این روش ها، آموزش کشیدن نقاشی است، در واقع کودکان به کمک نقاشی می توانند هر آنچه را که احساس کرده اند و یا دیده اند به تصویر بکشند شاید این فکر از ذهن شما بگذرد که کودکان خود را از سن ۴ یا ۵ سالگی به کلاس های هنری بفرستید اما متاسفانه امروزه آموزش هنر به طور اشتباه در جامعه ما رواج پیدا کرده است.

زمانی که کودک شما با کشیدن یک نقاشی سعی در پرورش خلاقیت خود دارد شما با آموزش اصول نقاشی مثل ترکیب بندی، فرم، رنگ و...آن را محدود کرده وبه نوعی ارزش های آن را نا دیده می گیرید. سرکوب شدن عواطف و ارزش های کودکان خلاقیت را از آنها گرفته و اینگونه فرزندان ما را از مقوله هنر گریزان می کند. حال، روش هایی وجود دارد که می توان کودکان را به سمت و سویی هدایت کرد که به هنر علاقه مند تر شوند و از ذوق و خلاقیت آنها کاسته نشود.

● شیوه های اجرایی آموزش هنر

الف) شیوه بیان آزاد: در این روش کودکان در انتخاب موضوع کارشان آزاد هستند. از موضوع های تحمیلی که باعث آشفتگی و از بین رفتن خلاقیت در کودکان می شود خود داری کنید.

ب) شیوه نمایش اسلاید یا فیلم: از کودکان خود بخواهید پس ازدیدن فیلم یا اسلاید برداشت خود را از آن به تصویر بکشند.

ج) شیوه دادن موضوعی از اتفاقات روزانه: دراین مرحله کودک تخیلات خودش را از محیط زندگی اش مطرح می کند.

د) شیوه خواندن قصه و داستان: در این شیوه از کودک خواسته می شود که هر آنچه را که از داستان برداشت کرده است، به تصویر بکشد.

ه) شیوه نقاشی گروهی:در فعالیت های گروهی نقطه نظرهای مشترک بین کودکان و خلاقیت آنها افکار جدیدی را می سازد. افکار جدید بین کودکان راحت تر مبادله می شود و کودکان از این کار بسیار لذت می برند.

نکات ریز دیگری هم در کشیدن نقاشی کودکان حائز اهمیت است . بگذارید کودکانتان نقاشی شان را به پایان برسانند. حاشیه و کادر برای کارشان تعیین نکنید و حد الامکان کاغذ سفید در اختیارشان بگذارید و اجازه ندهید روی کاغذ خط دار به نقاشی بپردازند. بگذارید که در مورد کارشان داستان پردازی و صحبت کنند.

نگارخانه (پایانی)

شاگردان کمال الملک ،کسانی بودند که نخستین هنرکده را در دانشگاه تهران فعلی در سال ۱۳۱۹بنا گذاشتند. هنرکده دانشکده تهران بعدها در سال ۱۳۲۸ به دانشکده هنرهای زیبا تغییر نام داد.

پس از آن که مکان هایی برای پرورش هنرمندان در ایران به وجود آمد، نوبت به معرفی هنرمندان و آثارشان رسید.در واقع این نیاز در جامعه احساس شد که هنرمند به مکانی نیاز داشت که آثارش را به نمایش بگذارد و عقایدش را به مردم معرفی کند.نمایشگاه های هنری یا نگارخانه ها به معنای امروزی، نخستین بار توسط بزرگان هنر همچون حسین کاظمی و...در تهران با نام آپادانا گشایش یافت و همزمان با آن نگارخانه هنرهای زیبا به نام کاشانه در ۱۳۲۸تاسیس شد. این مکان ها جایی بودند که هنرمندان آثارشان را بر دیوار آن نصب می کردند و آنها را در معرض دید عموم قرار می دادند که امروزه هم پا بر جا هستند و به تعداد آنها افزوده شده است.

● سری به جامعه هنری زرتشتیان

به جرات می توان گفت در جامعه ما هنرمندانی وجود داشته و دارند که در جامعه بیرون و خارج از کشورشناخته شده اند اما متاسفانه کمتر کسی از وجود این همکیشان صاحب سبک و موفق مطلع است.در واقع این هنرمندان فرصتی برای معرفی خود و آثارشان در جامعه کوچک ما زرتشتیان پیدا نکردند.

همه ما می دانیم که به تعداد هر یک از انجمن ها و سازمان های موجود زرتشتی، خود بپردازند.البته جای شکر دارد که خانه فرهنگ و هنرچند وقتی است که توسط انجمن زرتشتیان تهران برپا شده است و این فرصت را به هنر دوستان می دهد اما متاسفانه همکیشان عزیز تا به امروز استقبال چندانی از آن نکرده اند.

اما آیا جامعه زرتشتی ما تا این حد کوچک است که باید تنها یک خانه فرهنگ و هنر داشته باشد؟ همکیشان عزیز و خیر اندیشی در نقاط مختلف کشورهستندکه اماکنی را وقف انجمن و مردمشان می کنند اما متاسفانه آموزش هنر و یا ساخت یک نگارخانه که شاید جوان امروز ما نیاز بیشتری به آن داشته باشد را در نظر نمی گیرند.

البته از ساخت نخستین نگارخانه های کشور چند دهه ای بیش نیست که می گذرد و هنوز دیر نشده تا ما آن را در جامعه خود رواج دهیم و به افتخارات فرهنگی خود بیفزاییم چرا که حمایت از هنر و هنرمند همواره توسط فرهیختگان و بزرگان صورت گرفته و می گیرد پس برای حمایت آنها باید جایی برای نمایش آثارشان وجود داشته باشد تا سطح فرهنگی جامعه زرتشتی ما هم با آشنا شدن و دیدن آنها بالا برود.

زمانی می توان از هنر درک درست و بجایی داشته باشیم که آثار هنری زیادی را دیده باشیم و لازمه دیدن، رفتن به جا و مکانی است که این آثار در آنجا به نمایش گذاشته شده باشد و چه بهتر است که این مکان متعلق به خود زرتشتیان و آثار آن توسط هنرمندان همکیش ارائه شده باشد.

مکان و سالنی وجود دارد که همکیشان ما در آن به ورزش کردن و یا برگزاری جشن ها و مراسم می پردازند اما کمتر مکان و یا سازمانی وجود دارد که سعی در پرورش و یا تعلیم هنرمندان جوان کرده است.در واقع با صراحت می توان گفت تا چندی پیش، هیچ مکانی مختص هنرمندان جامعه زرتشتی وجود نداشت تا علاقه مندان به هنر در آن آموزش ببینند و یا به معرفی خود و هنر

چیدمان و اجاره نشینی

●●● یسنا خادمی

چیدمان و دکوراسیون آپارتمان‌های اجاره‌ای به دلیل محدودیت‌هایی که برای مستاجران وجود دارد، متفاوت از چینش آپارتمان‌های شخصی است. این محدودیت‌ها نیز بستگی به اجاره‌نامه‌ها و سخت گیری صاحب‌خانه دارد؛ مثلا شاید مستاجر نتواند طبقاتی را به دیوارها نصب کند یا کفپوش‌ها و کاشی‌ها را تغییر دهد. از سوی دیگر، اکثر مستاجران به دلیل محدودیت زمانی تمایلی ندارند وقت و هزینه زیادی برای خانه‌های اجاره‌ای صرف کنند.

با تمام این محدودیت‌ها، افراد باید از زندگی در خانه اجاره‌ای خود لذت ببرند و آن را همانطور که دوست دارند، تغییر دهند. این ایده‌ها به شما کمک خواهد کرد.

● رنگ‌آمیزی دیوارها

یکی از بهترین راه‌ها برای دکوراسیون جذاب، نقاشی و رنگ‌آمیزی دیوارها مطابق با سلیقه‌تان است. اما مشکل اینجاست که بعضی از صاحب‌خانه‌ها یا اجازه این کار را به مستاجران نمی‌دهند یا به‌صورت مشروط این اجازه داده می‌شود. مثلا بعضی از آن‌ها به این شرط اجازه نقاشی دیوارها را به مستاجران می‌دهند که یا رنگ‌های انتخابی از رنگ‌های خنثی باشد یا اینکه پس از تمام شدن مدت اجاره، رنگ دیوارها به شکل اول بازگردد. به هر حال می‌توانید در حد اختیاراتی که دارید، دیوار اتاق‌ها را نقاشی کنید. نگران نباشید، چند قوطی رنگ پلاستیک آنقدرها هم هزینه‌بردار نیست، درعوض، شما یک سال در محیطی جذاب و رنگارنگ زندگی خواهید کرد.

اگر برایتان سخت است که همه دیوارها را رنگ کنید، می‌توانید با ایجاد طرح‌های منحنی و استفاده از خطوط، فضای اتاق‌ها را دگرگون کنید.

● قدرت جادویی فرش و قالیچه

اگر در خانه اجاره‌ایتان امکان تعویض و نصب کفپوش‌های دلخواه مثل انواع موکت‌ها را ندارید، نگران نباشید. می‌توانید از فرش‌ها و قالیچه‌های زیبا و مناسب با چیدمان اتاق استفاده کنید. در این صورت به فضای اتاق‌ها هویت و روح داده می‌شود.

اگر می‌خواهید کف اتاق‌ها را با فرش بپوشانید، توصیه می‌کنیم دور تا دور اتاق تا ۳۰ سانتیمتر خالی بماند، با این کار اتاق بزرگ‌تر به نظر می‌رسد. حتی می‌توانید به جای یک فرش بزرگ در اتاق، از چند قالیچه کوچک در کنار هم استفاده کنید.

نورپردازی

● لامپ‌ها و هالوژن‌های سوخته را تعویض کنید و به این ترتیب یک نورپردازی مناسب و کافی برای آپارتمان اجاره‌ای خود ایجاد کنید. این کار محیط زندگی موقت شما را زیباتر می‌کند و به آن جلوه درخشانی می‌دهد. سعی کنید در همه اتاق‌ها از نورهای آفتابی و مهتابی همزمان بهره بگیرید. اگر اتاق خواب یا نشیمن پنجره دارد، با استفاده از چسب‌های شیشه مات‌کن حریم خصوصی‌تان را حفظ کرده و با آویختن یک پرده حریر، روشنایی طبیعی را به خانه دعوت کنید.

● مبلمان و اثاثیه

شاید برای تغییرات دلخواه‌تان در فضاهای مختلف خانه، محدودیت‌های اجرایی داشته باشید اما به راحتی می‌توانید در وسایل خانه‌تان تغییر و تنوع ایجاد کنید. وسایل و لوازمی که خیلی خوب به چشم می‌آیند، برای پر کردن قسمت‌های خالی و بی‌روح بسیار مناسبند. رنگ های شاد و آرام‌بخش را با هم استفاده کنید تا انرژی در همه وسایل خانه‌تان جریان یابد.

روحانیان از نگاه اشوزرتشت

موبد پدرام سروش‌پور

امسال زرتشتیان ایران و جهان سه‌هزار و هفتصد و پنجاهمین سال پیامبری اشوزرتشت را جشن می‌گیرند. بزرگمردی که با پیام‌آوری خود دریچه‌ای نو به جهان برای انسان ها گشود. پیامبری که با تکیه بر نواندیشی بزرگترین ساختارشکن کهنگی و پیام‌آور راستی و آزادگی بود.

«بشود که از کسانی شویم که جهان را تازه می‌گرداند»

در نگاه برخی از امروزی ها دین و دینداری بیشتر با کهنگی ، سنت و بازگشت به گذشته تعریف می شود در حالی که اشوزرتشت در زمان خودش پیام‌آور نواندیشی و تازگی بود. او براندازنده نظام های فکری ناراست و کهنه‌ای بود که بر پایه ناآگاهی و خرافات بر مردم حکمفرمایی می کردند.

اشوزرتشت با این نگاه در گاتها نیز هیچ‌گاه حکم دینی یا شریعتی را بنا ننهاده، چرا که از دیدگاه او آنچه که به انسان ارزش می‌دهد اندیشه و آزاداندیشی است. پس این طبیعی است که انسان ها در سیر تاریخ، روند تکاملی اندیشه را طی کنند و اتفاقا اگر ما برآنیم تا پیرو راستین پیامبرمان اشوزرتشت باشیم ، باید همچون او در پی نواندیشی و تازه‌گردانیدن جهان باشیم.

در این راستا نگاه اشوزرتشت به مراسم ها و ساختار روحانیت نیز بسیار قابل تامل است. برخلاف دیدگاه عمومی «روحانیت، مراسم و آیین های دینی» با پیامبری اشوزرتشت آغاز نشده است، بلکه بسیار کهن‌تر از اشوزرتشت بوده و مهمتر از همه ریشه در فرهنگ و باور مردم داشته است. انسان از بدو حیات رویکرد ویژه‌ای به معنویات و نادانسته‌های دنیای بعد ازمرگ داشته‌است و ساخته‌شدن معابد و شکل‌گیری گروهی به نام روحانیان شاید به شکل‌گیری نخستین جوامع انسانی بازگردد ولی آنچه از گاتها برمی‌آید در زمان اشوزرتشت گروه های ساخت یافته و تعریف‌شده روحانیان وجود داشته‌اند که اتفاقا مراسم های دینی جاافتاده و ویژه‌ای را نیز برگزار می کردند.

در جهان‌بینی اشوزرتشت بر این واقعیت تاکید شده است که حقیقت امری واحد است لذا هیچ توجیهی برای شکل‌گیری گروه‌های مذهبی و دینی متفاوت وجود ندارد. این گروه ها در زمان اشوزرتشت به جای راهنمایی انسان ها به سوی حقیقت، با گسترش اختلافات متاسفانه منافع مادی و گیتوی روحانیان و حاکمان را فراهم می‌نمودند.

اشوزرتشت در گاتها همواره خود را بزرگترین دشمن «دروغ» و «دروغکاران» نامیده و در طول زندگیش به طور خستگی‌ناپذیری تا دست یافتن به آرمانش به مبارزه با آنها پرداخته است.

ایشان درگاتها مهمترین مخالفان خود به عنوان دروغکاران را دو گروه معرفی نموده است. نخست روحانیان دروغین زمان و دوم حاکمانی خود کامه که با حمایت از این روحانیان به مقاصد خود می‌رسیدند. در این بند از گاتها کرپان ها و در بندهای دیگر اوسیج ها که نماد دو گروه روحانیانی می‌باشند که به دو صفت دروغ و آز آلوده گشته‌اند، مورد نکوهش قرار می گیرند.

«ای مزدا! یارانم برای گسترش دین اهورایی کی خواهند آمد؟ پروردگارا! پلیدی دروغ و آز کی از پهنه گیتی برانداخته خواهد شد؟ وسیله‌ای که (با آن) کرپان‌های سیه‌کار مردم را می‌فریبند و شهریاران ستمگر با اندیشه‌های شوم بر کشورها حکومت می کنند.»
(یسنا هات ۴۸ بند ۱۰)

در مقابل در گاتها از انجمن مغان(مزویی مگایی) نام برده شده‌است که موبد فیروز آذرگشسب آن را انجمن برادری و یگانگی ترجمه نموده و بر نظر موبد تاراپوروالا تکیه کرده است که مغ یا مگ در اصل پیروان زرتشت بوده‌اند که برادری و یگانگی عجیبی بین آنها برقرار بوده است. استاد پورداود نیز پس از بررسی نظرات گوناگون به استناد بندهای گاتها می گوید: «به خوبی پیداست که پیغمبر ایران از این دو واژه دین و آیین خود و پیروان دین خود را اراده کرده است.»

«کی ای مزدا آیین تو را انجمن بزرگ مغان ما پذیرند ؟
ای هستی بخش اینک که برای ما یار و مددکار رسیده است ما هم آمادهٔ خدمتگذاری هستیم.» هات ۲۹ بند ۱۱

از بررسی بندهای گاتها اینچنین برداشت می‌شود که اشوزرتشت بر این باور نبوده که گروهی را در مقابل کرپان ها و اوسیج ها بسازد چرا که از پایه با این دیدگاه مخالف بوده که روحانیان به خود اجازه بدهند با به بازی گرفتن اعتقادات و باورهای مردم منفعت‌طلبی نموده و نظام طبقاتی را تعریف نمایند. به عبارت بهتر از نگاه اشوزرتشت سودجویی توسط دین بازی با هرنامی نکوهش شده است و یک معنای کاملا مشخص دارد.

شاید در شرایط فعلی جامعه زرتشتی خطرات این چنین تفکراتی ملموس نباشد ولی باید بپذیریم گسترش همین تفکر منفعت طلبی از باورهای دینی در دوره ساسانیان، علی‌رغم خدمات فرهنگی و علمی باارزش تعدادی از موبدان ساسانی، این پرسش را برای همیشه در دل تاریخ باقی گذاشت که واقعا موبدان این دوره چقدر در شکل‌گیری دوران نشیب ساسانی نقش داشتند.

از نگاه اشوزرتشت کسانی که بتوانند سوشیانت‌وار با آموزش مردم راه او را ادامه دهند بهترین پیروان او خواهند بود و بی‌شک نگاه او به روحانیت دینی چیزی جز این نبوده است.

آنچه مسلم است بعد از شکست ساسانیان آن‌گروه از موبدان درباری که دین را در راستای منافع خود تعریف کرده بودند راه جدیدی برای خود پیدا کردند و در عوض موبدانی که پایبند و پایدار به فرهنگ زرتشتی در کنار مردم باقی ماندند دور جدیدی از تاریخ را رقم زدند. این گروه از رهبران دینی که در آن دوران سخت با عشق و زحمت و حتی جانبازی باعث تداوم سنت و فرهنگ ایرانی شدند، به باارزش‌ترین جایگاه دست یافتند ولی نباید فراموش کرد که در این راه باید آموزه های پیام آور ایرانی را همیشه در برابر خود قرار داده ودر هر شرایطی به کار بندیم.

سرنوشت را می توان از سر نوشت

موبدیار پریا ماوندی

«با این سرودها، ستایش کنان به سوی شما بازخواهم گردید، ای مزدا، جلوه گاه راستی، در پرتو کارهای منش پاک زمانی که بر سرنوشت خودم با اراده فرمان می رانم آنگاه با شوق بسیار (خواستارم) دارنده ی دانش نیک گردم.»

سپنتمدگات هات ۵۰ بند ۹، برگردان واژه به واژه ی موبد فیروز آذرگشسب

بندی دیگر از گاتهای بی هَمال و بی هَمتای اشوزرتشت اسپنتمان که با آموزه ای عرفانی و خداشناسی آغاز می‌گردد. آموزه ای که اشوزرتشت در گستره ی عرفان و خداشناسی، آن را بیان می‌دارد و آن بازگشت به اصل است. گزاره ای عرفانی که بعدها و حتی در ایران پس از ورود اسلام نیز راه گشای عارفان است. انسان در پرتو فروهر ذاتی تابنده بر خود، از سوی اهورامزدا، خداوند یکتا، آمده و لحظه به لحظه‌ی هستی را می کوشد تا سپنته من گردد و بدان فروغان فروغ بپیوندد. جدایی از دلبری که در همه احوال با انسان دلداده است و او نمیدیدش و از دور خدایا می کرد (حافظ)، جدایی که نی مولوی نیز در حکایت هایش از آن شکایت ها می کند:

کز نیستان تا مرا ببریده اند
از نفیرم مرد و زن نالیده اند

سوز و گدازها و سرودهای ستایش کنان و پرستش گویانِ اهورا، که سراسر سرِّ دور ماندن از اصل خویشَ را در خود دارد.

باری در بیان نی:

سرِّ من از ناله ی من دور نیست
لیک چشم و گوش را آن نور نیست

سرّ و راز خداگونه گشتن نیز از سرودهای موزون و شورانگیز اشوزرتشت دور نیست اما هر گوش را جای پیغام سروش نیست.

نی مولانا در فراق می نالد در حالی که سرودهای آهنگین اشوزرتشت در شوق دستیابی به یگانه ی آفرینش، شادمانه، از هستی و خدا می‌پرسد، از هستی و خدا می‌یابد و این پرسیدن و یافتن او را به دلداده‌اش نزدیک و نزدیک‌تر می گرداند. سرودهای ستایش اشوزرتشت که او را به اصلش می رساند تنها خواندن و بیان واژگان نیست بلکه یافته هایی است که در راه شناخت خداوند، آنها را اندیشیده است و بازاندیشیشان یافته‌هایی دیگر را برای شناخت هستی و خدا ارمغان دارد.

برپایه این بند ، ما انسانها با کردارهایی برخاسته از منش پاک و با اراده ی خویش، سرنوشت و زندگی خود را رقم می زنیم. زندگی ما طوماری نوشته شده نیست که با هستی یافتن ما در حال رخ دادن باشد بلکه این ماییم، که بنا بر گفته ی اشوزرتشت در این بند، بر گستره ی آن فرمانروواییم، می کوشیم و می‌کوشیم، دانش می‌اندوزیم، می‌آموزیم، می‌اندیشیم و می‌اندیشیم، چشم دل را روشن می کنیم و گزینش می‌نماییم.

ادبیات شفاهی (۱۶)
(به لهجهٔ خرمشاهی)

ناهید استقامت

۱- heš-ki hərdâ še ne xəna.
۱- هش کی هرِدُو شه نخنَه.
یعنی: هیچکَس فرَدا رَا نخوانده است [بنابراین زیاد نباید نگران آینده بود].

۲- jvâb-e dârd mârg on.
۲- جوُبِ دارد مارگ اُن.
یعنی: جواب درد، مرگ است [و جواب های، هوی؛ کلوخ انداز را پاداش سنگ است و جواب سلام، السلام].

۳-bre kyomi tāv vekā ge brā de mri.
۳- بْرِ کیومی تاو وِکا گِه بْرا دِ مْری.
یعنی: برای کسی تَب کن کَه برایت می‌میرد [و خواهان کسی باش که خواهانِ تو باشد].

٤-pāg čaš e həm na vo ka.
۴- پاگ چَش هِم نَه وُ کَه.
یعنی: همه نبایَد چِشم (=نگاه) به هم کنند [و همه نباید کورکورانه از هم تقلید کنند].

چند ضرب المثل و اصطلاح جدید

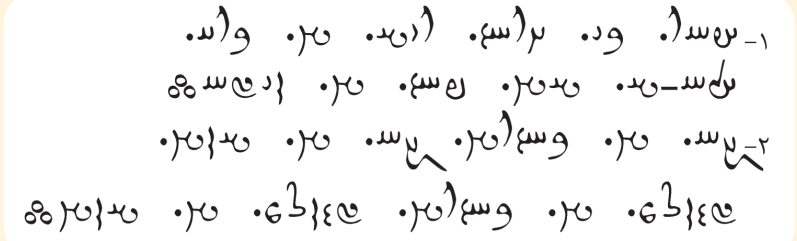

در شماره گذشته مطلب نوروز و جشن های پیش از آن در فارس نوشته سرکار خانم دکتر کتایون نمیرانیان، پانوشت زیر در آخرین پاراگراف جاافتاده بود که بدین وسیله اصلاح می شود:
«به قلم راوی؛ خانم آمنه عمادی، دانشجوی سال دوم کارشناسی زبان‌شناسی دانشگاه شیراز و با سپاس فراوان از ایشان و مادر گرامی

زرشتیان، میزبان گردشگران نوروزی

سیما دینیاریان

بناها و زیارتگاه های زرتشتیان در شهرهای مختلف زرتشتی نشین در روزهای نوروز پذیرای عده زیادی از هموطنان بود، به طوری که مطابق آمار منتشر شده توسط سازمان میراث فرهنگی، آتشکده یزد یکی از پر بازدیدکننده ترین اماکن کشور در نوروز امسال بوده است.
به جز آتشکده، دخمه یزد، زیارتگاه چک چک، آدریان تهران، آتشکده کرمان نیز جزو مکان های پر گردشگر در نوروز امسال به شمار آمده است.

در این چند روز فراغت نوروزی در گوشه و کنار سرزمینمان از کلانشهر تهران تا روستایی آرام و دلنشین در دل کوه های زاگرس مقصد گردشگران نوروزی بوده است و از این حیث استان یزد نیز مبرا نبوده و شهرها و روستاهای آن میزبان گردشگران نوروزی بوده است.
این استان به واسطه وجود مکان های مذهبی و تاریخی و تعدد جاذبه های فرهنگی هر سال با خیل عظیمی از گردشگران روبروست که این تعداد در تعطیلات نوروز نمودی دوچندان می یابد.
وجود مساجد، خانه های قدیمی، آب انبارها و بادگیرها از یکسو و مکان های زیارتی زرتشتیان از سوی دیگر همه و همه جاذبه گردشگری این شهر کهن و تاریخی را صد چندان نموده است.
وجود آتش دیرپای کاریان فارس که در آتشکده یزدان یزد، تخت نشین شده است، دخمه که راوی تدبیر پدران ما برای افراد درگذشته بوده، به دور از آلودن چهار آخشیج، پیرانگاه های آرمیده بر دامان کوه های پیرامون یزد که حکایت از پاکدامنی و مقاومت بانوان این دیار در برابر ننگ تاراج گران دارد، از جمله جاذبه های گردشگری استان یزد است.
نوروز امسال نیز با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان و سایر ارگان های دست اندرکار با تدابیری که از سوی مسئولان جامعه زرتشتی اندیشیده شده بود، ضمن حفظ امنیت و برقراری نظم، بیش از صد هزار نفر توانستند از آتشکده یزدان بازدید نمایند . در کنار دیدن آتش فروزان آتشکده، بازدید از نمایشگاه فرهنگی دایر در تالار ورجاوند و مشاهده بنرها و پوسترهای نصب شده در محوطه آتشکده همچنین برپایی فروشگاه در خانه کسرا، فرصت مناسبی بود تا علاقه مندان با گوشه هایی از باورها و فرهنگ ایرانی-زرتشتی که نشان از گذشتگان این سرزمین و پدرانمان دارند، آشنا شوند.
امسال ، دخمه یزد نیز با ساماندهی و برنامه ریزی ویژه ای که صورت گرفته بود ،میزبان بسیاری از گردشگران استان بود. در مدیریت دخمه در تعطیلات نوروز امسال تعدادی از همکیشان در ارائه خدمات و پاسخگویی به پرسش های گردشگران، توانستند این مکان را نیز بیش از سال های گذشته در زمینه جذب گردشگر مطرح نمایند.
پیرانگاه های این دیار کهن، روزگار دیرینی است که ماوای زرتشتیان است و ایرانیان سراسر کشور را نیز میزبان است، ایرانیانی که برای کنکاشی یا با باوری به این پیرانگاه ها می آیند هرچند که گاه نیز از سر بی مهری رد تیره ای از تاراج بر تارک این پیرانگاه ها باقی مانده است و در دگرگونی های روزگار معاصر زمانی نیز تنها مقصدی برای تفریح و خوش گذرانی قرار گرفته اند.
این سال نیز بهار، آغازی بود برای مجال زیارت پیرانگاه ها، سال نو را با هنگامه پنج روزه زیارت پیر هریشت آغاز کردیم، مجالی سراسر سرور و سپاس، هنگامه ای برای گردهمایی، همازوری و هم آوایی در کلام مانتره. پنج روزی که حریم این مکان پاک و آرام، کیلومترها دورتر از هیاهوی شهر، میزبان زرتشتیان یزد و ایران بود و علاوه بر همکیشان بسیاری از هموطنانمان مهمان چند روزه ما بودند به ویژه در چک چک که آمارها گویای بازدید بیش از ۱۳ هزار نفر است.
همین پیرانگاه های زرتشتی چند سالی است که در سیزدهمین روز بهار تنها میزبان زرتشتیان است، چند سالی است که پیر سبز و امسال نیز پیر نارکی تنها برای گردهمایی همکیشان قرار گرفت. این تدبیر برای حفظ امنیت، آرامش و پاکیزگی حریم پیرانگاه ها اندیشیده شد. این کار نظرات موافق و مخالف بسیاری را برانگیخت عده ای این محدودیت را یاری گر حفظ امنیت و آرامش و فراتر از آن جلوگیری از آسیب های زیست محیطی و انباشت زباله دانستند و این در حالی است که ازدحام کمتر جمعیت از فرسوده گشتن زود هنگام بناهای کهنسال این مکان ها نیز جلوگیری می کند.
اما گروه دیگری مخالف این اقدام بودند و این روز را مجالی نیکو دانستند برای هم نشینی زرتشتیان با هم میهنانی که با هر مرام و مسلکی این مکان های مقدس را با باوری درونی برای گذران این روز بر می گزینند، که البته جاذبه و آرامش طبیعی این مکان ها نیز در این گزینش بی اثر نیست افزون بر اینکه احساس مسئولیت و ارزش نهادن به برخی مسائل ورای دین و آیین است.
به هر روی امسال پیر نارکی و پیر سبز در روز سیزدهم فروردین تنها ویژه زرتشتیان بود و بسیاری از هم میهنان نیز این روز را در آغوش سایر پیرانگاه های زرتشتی یزد گذراندند و روزهای دیگر نیز سکوت کویری جاده های منتهی به این پیرانگاه ها در هم شکسته بود.
در این روزها تنها جامعه زرتشتی یزد میزبان گردشگران نوروزی نبودند بلکه سایر استان های زرتشتی نشین نظیر شیراز، اصفهان، کرمان و اهواز نیز چنین بود. و بسیاری از گردشگران از زیارتگاه ها، نمایشگاه ها، خانه های قدیمی و سایر مکان های زرتشتی بازدید نمودند.
در کرمان آتشکده زرتشتیان و موزه ها به شدت با ازدحام جمعیت رو به رو بود و بسیاری از هم میهنانمان در کنار همکیشان برای بازدید از سایر بناهای تاریخی کرمان به شهرهای اطراف کرمان نظیر ماهان، بم و... رفتند.
در شیراز، باغ وقفی پذیرای بسیاری از مسافران همکیش بود که برای دیدن این شهر تاریخی به ویژه تخت جمشید ،راه سفر در پیش گرفته بودند.
در این میان، آدریان تهران نیز نوروز امسال خیل زیادی از هم میهنان به ویژه همشهریان تهرانی را پذیرا بود که البته در انجام این کار فرهنگی، شهرداری تهران با برقراری تورهای تهران گردی نقش بسزایی داشت.
آدریان تهران با همکاری موبدان و موبدیاران در روزهای نوروز توانست پاسخگوی بیش از شش هزار نفر از گردشگرانی باشد که برای آشنایی با دین و فرهنگ کهن نیاکانشان به این مکان آمدند و علاوه بر بازدید از آتش همیشه فروزان این آدریان، از نمایشگاه دایر در تالار مجاور این مکان نیز بازدید نمودند.
در این نمایشگاه، سفره های مختلف دینی، لباس محلی و... به نمایش گذاشته شده بود.
آنچه بدیهی است اهمیت گردشگری در ابعاد گوناگون آن است، ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره. گردشگری در چند دهه اخیر در ابعاد جهانی به عنوان یک صنعت و به عنوان میزانی برای توسعه یافتگی مطرح شده است. ایران نیز با توجه به داشته های بسیار و بی نظیری که داراست، در چند سال اخیر تلاش های خود را در این زمینه افزایش داده است.
جامعه زرتشتی نیز علاوه بر داشته های تاریخی و باستانی غنی اش از نظر فرهنگی نیز به گونه ای وامدار اصالت دیرینه مردمان این سرزمین است که توانی افزون برای بهره برداری بهینه از گردشگری و جنبه های گوناگون آن دارد که صد البته لازمه آن شناخت توانایی ها و برنامه ریزی برای شیوه های درست بهره برداری از این داشته هاست..

استاد جلال ذوالفنون

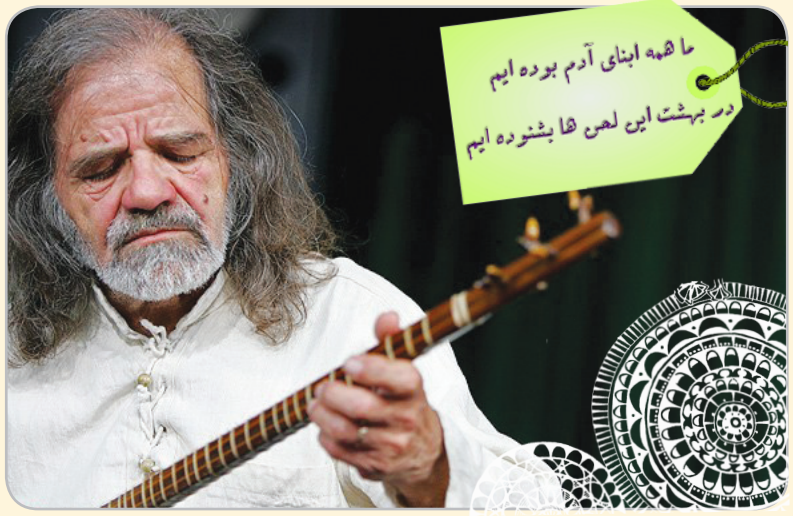

عزم آن دارم که امشب نیمه مست
پایکوبان کوزه ی دُردی به دست

وقتی زخمه بر ساز می زد، همگان خموش به گوش بودند. زمانی بود که چنان نوایی به گوش فلک نرسیده بود. از نوای سازش گل صدبرگ جامه می درید و آتش در نیستان می فتاد.

استاد جلال ذوالفنون، در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در آباده زاده شد. در کودکی با خانواده به تهران آمد، تار پدر و ویلن برادرش او را با موسیقی آشنا کرد و از ده سالگی به نواختن سه تار پرداخت.

برای ادامه موسیقی به هنرستان موسیقی ملی رفت، در آنجا سه تار چندان مورد استفاده نبود و او اجباراً تار را برگزید، با سازهای دیگر چون ویلن نیز آشنا شد و آن را نزد برادرش محمود ذوالفنون آموخت و در این حال سه تار را همچنان می نواخت . در هنرستان از رهنمودهای مرحوم موسی خان معروفی در زمینه تکنیک سه تار برخوردار شد و به این ترتیب هشت سال دوره آموزش وی در هنرستان به فراگیری سه تار، تار و ویلن گذشت.

جلال ذوالفنون، آثار نوشتاری و صوتی فراوانی در زمینه موسیقی ایرانی از خود به جای گذاشته که از میان آنها می توان آلبوم های گل صدبرگ و آتش در نیستان با صدای شهرام ناظری را نام برد.

ذوالفنون، سالیان پیاپی در زمینه پژوهش گام برداشت و کوشید جوانان را با این قلمرو آشنا کند. مهمترین کار وی پس از پژوهش، آموزش بود.کتابی با عنوان گل صد برگ که مجموع های از نوشته ها و خاطراتش درباره موسیقی است، از او منتشر شده است.

این استاد بنام چندی پیش در ۲۸ اسفندماه ۱۳۹۰ بعد رنجی که از بیماری کشید در کرج برای همیشه دست از پرده های سه تار کشید و اندوهش بر جان دوستدارانش بماند.

وقت آن آمد که دستی برزنم
چند خواهم بود آخر پای بست؟

نغمه ادو

این ساز با تغییراتی به تازگی وارد موسیقی سنتی ایران شده است. می توان این ساز را از دسته سازهای کوبه ای دانست که با افزودن پوست و تغییرات قطر بدنه آن به نت های خاص ضربی دست یافت.

ساز « ادو» در آفریقا و بیشتر در نیجریه نواخته می شود. نواختن این ساز بیشتر در میان زنان آفریقایی رواج دارد و مردان نیز در مراسم آیینی خود از این ساز استفاده می کنند و در غارها به نواختن این ساز می پردازند. آنها طنین این ساز را وسیله ای برای ارتباط با مردگان و نیاکان خود می دانند.

جنس ساز ادو از سرامیک است و سه حفره روی آن وجود دارد. بزرگترین حفره با پوستی که روی آن کشیده شده در وسط ساز قرار دارد. دو حفره کوچک و بزرگ دیگر تغییراتی در صدا و فرکانس این ساز به وجود می آورند . ادو می تواند جانشین چندین ساز ضربی باشد و کار نوازندگان را در سفرهای دور و نزدیک آسان کند.

نظری بر موسیقی و خنیاگری پس از اسلام (۶)

گذری بر موسیقی دوران صفاریان

توریا

ایران در گیرودار جنگ ها و یورش های فراوان و هرج و مرج های بسیار این دوران، روی آرامش و آسایش را کمتر دیده بود. در این میان، یعقوب بن لیث، از قریه قرنین برخاست و سلسله صفاریان را بنا نهاد. پس از جنگ طولانی و سخت صفاریان و به دست آوردن بخش های شرقی ایران و سیستان، فارس نیز به تصرف صفاریان درآمد.

پس از فروکش جنگ ها و غوغاها، یعقوب، هرچند دیر، اما به فکر فرهنگ و دانش افتاد و گویی پس از گذشت دو قرن، ایرانی توانست به یادآورد که زبان و فرهنگش کدام بوده و چه می اندیشیده است. یعقوب مدح شاعرانی را که به عربی می سرودند نمی پسندید و تفکراتش در مورد فرهنگ ایرانی اینگونه بیان می شود که پس از فتح ایران به‌دست عرب‌ها، زبان عربی، زبان رسمی و دیوانی شناخته شد. چون صفاریان حکومت قسمتی از شرق ایران را به‌دست آوردند، یعقوب که احساسات وطن‌پرستی و استقلال طلبی بر او چیرگی داشت، به مخالفت با فرهنگ و زبان عربی که ثمره و نشان غلبه بیگانگان بر سرزمین او محسوب می‌شد، برخاست.

اینکه آیا یعقوب، واقعاً زبان عربی نمی‌دانسته یا تظاهر به عدم آشنایی به زبان عربی می‌نموده، دقیقاً مشخص نیست. از سویی، بعید می‌نماید که او با حضور در جمع مطوعه و در کشاکش با خوارج که بخش اعظمی از زندگی او را در برمی گیرد، از این زبان بهره‌ای نگرفته باشد. از سوی دیگر، در تاریخ سیستان می‌خوانیم که یعقوب هنگام گذر از ویرانه‌های خانه صالح‌بن نصر، وقتی با تأسف دبیرش با نوشته روی دیوار روبه‌رو می‌شود، علت را جویا می شود و دبیر نوشته را می‌خواند و ترجمه می کند.

به هر حال پس از دستیابی یعقوب به هرات، چون شاعران او را به زبان عربی می ستودند، یعقوب به محمدبن وصیف، دبیر رسایل، می‌گوید: چیزی که اندر نیابم چرا باید گفت؟ این سخن یعقوب که به عمد یا از روی واقعیت بیان شد، عامل طرح و جایگزینی دوباره زبان پارسی به منزله زبان درباری بود و شاعران مدیحه سرا را وادار ساخت که به زبان پارسی شعر بگویند و این سرآغاز بالندگی دوباره زبان پارسی شد.

اما گویی یعقوب دیگر زمانی برای اندیشیدن به موسیقی نداشت، یا شاید خود تمایلی به این هنر نداشت، با این وجود در این دوران کم کم سازها از پستوها و دخمه ها و زیر زمین های ایرانیان که از هراس عرب صدها سال پوست بر دهل ها کشیده بودند و سیم ها را سست بر سازها کوک می کردند تا تازیانه و شمشیر عرب بر دست و سازشان ننشیند، به میان مردم کوچه و بازار بازگشت و موسیقی ایران رونقی دوباره یافت.

موسیقی ایران که گویی پس از کابوسی سهمگین چشم گشوده بود، جز خاطره ای محو از آن نغمه ها و آن سازها چیزی برایش نمانده بود و در این سیر مبهم که بسیاری از نواهای پارسیان با آه مردمان، بر باد رفته و با خون عاشقان، شسته شده بود، اندک امید دیگری یافت و سلسه صفاریان آغازی دوباره برای هنر و موسیقی بربادرفته ایرانی بود.

مـــوفقیـــت

مجموع تلاش های انجام شده در زندگی است

منوچهر باستانی

در نخستین روزهای کاری سال ۱۳۹۱، مراسم اهدای مدال المپیاد به دانش آموزان برگزیده المپیاد دانش آموزی برگزار شد، در این مراسم به سه نفر از دانش آموزان زرتشتی در رشته های ریاضی و نجوم نیز مدال طلا و نقره اهدا شد.
فرصتی دست داد تا پیرامون المپیاد و دوره تحصیل با این سه نفر به گفت وگو بنشینیم و از تجربیات و احساسشان بدانیم.

لطفا خودتان را معرفی کنید :
– مازیار شهریاری متولد ۲۲ اسفند سال ۱۳۷۲. تحصیلات ابتدایی را در دبستان جمشیدجم ، دوره راهنمایی را در مدرسه سید جمال الدین اسد آبادی و دبیرستان را در مدرسه علامه طباطبایی واحد ADVANCE گذراندم .
– بهزاد بهزادی متولد ۲ اردیبهشت سال ۱۳۷۳. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در دبستان جمشیدجم و رستم آبادیان و دبیرستان را در مدرسه علامه طباطبایی واحد ADVANCE گذراندم .
– گودرز مهر متولد ۲۷ اسفند سال ۱۳۷۲ و تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را همانند مازیار در مدارس جمشید جم ، سیدجمال الدین اسد آبادی و علامه طباطبایی سپری کردم.

دو نفر از شما ، پس از گذراندن دوره دبستان در یک مدرسه زرتشتی، دوره راهنمایی و بعد از آن را در مدارس دیگری گذراندید. علت خاصی داشت؟
مازیار : من و گودرز بعد از دوره دبستان تصمیم گرفتیم که درس خواندن را به صورت جدی و با کیفیت ادامه بدهیم . به همین دلیل برای حضور در مدرسه تیزهوشان اقدام کردیم که نشد. بعد به سراغ مدرسه راهنمایی علامه طباطبایی رفتیم که امتحان دادیم و قبول شدیم اما گفتند باید در همان مدرسه مثل سایر بچه ها، دینی بخوانیم که خوب طبیعتا ما علاقه ای به این موضوع نداشتیم . بعد در بین مابقی مدارس شنیده بودیم که کیفیت مدرسه سید جمال الدین اسدآبادی قابل قبول است در نتیجه به آنجا رفتیم وثبت نام کردیم.

به نظر شما مدارس زرتشتی کیفیت آموزشی پایینی داشتند که شما در دوره راهنمایی به سراغ مدارس دیگری رفتید؟
مازیار : بحث این نبود که مدرسه رستم آبادیان کیفیت خوبی ندارد ما بیشتر به دنبال مدرسه ای بودیم که از لحاظ آموزشی بهتر باشد. من نمی توانم بگویم مدرسه رستم آبادیان کیفیت خوبی نداشت همانطور که بهزاد دوره راهنمایی را در همین مدرسه خواند. ما به دنبال جای بهتر بودیم و شاید این مدارس به نسبت رستم آبادیان زیاد فرقی نمی کردند .

چه شد که به فکر حضور در المپیاد افتادید و آیا در انتخاب این راه،کسی شما را راهنمایی کرد؟
مازیار : من و گودرز سه سال دوران راهنمایی را در کلاس های فرهیختگان فرزانه که با عنوان المپیاد برگزار می شد شرکت می کردیم . این کلاس ها به اسم المپیاد بود ولی هدفش آموزش ریاضی با سطح بالاتر از دوران راهنمایی بود . از همان جا با اسم المپیاد آشنا شدیم. در سال سوم هم فردی را به ما معرفی کردند که در المپیاد ریاضی مدال نقره آورده بود که همین باعث انگیزه گودرز شد. اما من علاقه ای به ریاضی نداشتم ولی چون در کلاس های المپیاد حضور داشتم علاقه مند شدم وارد این راه شوم که البته شاخه دیگری را – نجوم – انتخاب کردم .
بهزاد : من هم در دوران راهنمایی به ریاضی علاقه مند بودم و شنیده بودم که چند نفری برای المپیاد به کلاس می روند که همین باعث شد من هم در کلاس های موسسه مصباح ثبت نام کنم . در همان کلاس ها موقع امتحانات سوالات المپیاد را از ما می پرسیدند که البته ما از این موضوع خبر نداشتیم ولی همین باعث شد که من بیشتر به ریاضی علاقه مند شوم . بعد از اینکه وارد علامه شدم تازه با مفهوم واقعی المپیاد آشنا شدم .

بحث اصلی المپیاد از سال چندم دبیرستان آغاز می شود و آیا از نخستین سال با علاقه مندان این موضوع کار می شود ؟
بهزاد : تابستانی که ما در مدرسه ثبت نام کردیم از ما خواستند که در یک سری کلاس ها شرکت کنیم و در همان زمان برای ما توضیحاتی از شرایط المپیاد وحضور در کلاس های آن که به عنوان ADVANCE شناخته می شد ، دادند و آخر تابستان هم از تمامی ما امتحان گرفتند که تعدادی از بچه ها در این امتحانات قبول شدند و وارد واحد ADVANCE شدند. ما هم جزو قبول شدگان بودیم . این واحد به صورت حرفه ای به المپیاد می پردازد و معلمان بسیار خوبی در این واحد حضور دارند که بچه ها را برای المپیاد آماده می کنند.
امتحان اصلی المپیاد در سال سوم است ولی می توان در سال دوم هم در این امتحانات شرکت کرد. المپیاد در سه مرحله برگزار می شود که درمرحله اول آزمون به صورت پنج گزینه ای برگزار می شود و در هر رشته تعداد مشخصی انتخاب می شوند .در مرحله دوم سوالات تشریحی است و از این بین تعداد ۴۰ نفر انتخاب شده و وارد باشگاه دانش پژوهان جوان می شوند و در تابستان همان سال آموزش های دیگری به این ۴۰ نفر داده شده و مرحله سوم المپیاد برای گرفتن مدال، بعد از این آموزش ها آغاز می شود.

چه رشته هایی برای انتخاب در المپیاد هست و از چه زمانی آنها را باید انتخاب کرد ؟
مازیار: رشته های فیزیک ، شیمی ، ریاضی، ادبیات ، نجوم ، زیست شناسی و کامپیوتر. من از سال اول نجوم را به خاطر ارتباطی که باهاش برقرار می کردم انتخاب کردم.
گودرز : به غیر از نجوم که باید در سال اول انتخاب کرد بقیه رشته ها به صورت عمومی هستند . در واقع کلاس های مختلف رابرای المپیاد برگزار و بعد با توجه به علاقه، رشته های مختلف را انتخاب می کنند و برای سال دوم وارد رشته تخصصی می شوند. البته در این بین مشاوره معلمان با توجه به نمرات آزمون ها هم تاثیر بسیار زیادی در انتخاب رشته دارد .

زندگی دانش آموزی که خودش را برای المپیاد آماده می کند با زندگی یک دانش آموز عادی چه فرقی دارد. آیا میزان تفریحات و مطالعه اش خیلی متفاوت است؟
گودرز : درس های المپیاد در کنار درس های مدرسه است و همین باعث می شود که درس بیشتری بخوانیم ولی این دلیل نمی شود که ما تفریح خودمان را نداشته باشیم. اگر تفریح مناسب نداشته باشیم برای ما مشکلات زیادی به وجود می آید . من معتقد هستم که هر چیزی جای خودش لازم است. من به شخصه وقتی نزدیک امتحانات می شدم برنامه های تفریحی ام را محدود می کردم ولی اینجور نبود که هیچ تفریحی نباشند. در ضمن در المپیاد چون با علاقه رشته ات را انتخاب میکنی در نتیجه خواندن درس هم برایت تفریح می شود . من که ریاضی را انتخاب کردم دیگر دروسی مثل عربی یا ادبیات در آن نیست که علاقه ای به خواندن آنها نداشته باشی .
مازیار : من به شخصه در سال های اول ودوم زیاد وقت وانرژی نگذاشتم ولی در سال سوم که المپیاد برایمان کاملا جدی می شد دیگر زمان تفریحات خودم را محدود کردم و بیشتر به درس رسیدم.

موفقیت در المپیاد جهانی یک دنیای جدیدی را پیش روی شما خواهد گذاشت . در این بین اگر پیشنهاد ادامه تحصیل ویا زندگی در کشور دیگری به شما بشود آیا به این پیشنهاد پاسخ مثبت خواهید داد یا زندگی در ایران را ادامه می دهید؟
مازیار: زندگی آینده که قابل پیش بینی نیست. من در دوم دبیرستان خیلی به فکر ادامه تحصیل در خارج از کشور بودم ولی الان این ذهنیت را ندارم و دوست دارم همین جا زندگی کنم.
بهزاد : من تا به حال هربار به این موضوع فکر کردم اصلا راضی به رفتن نشدم و حس کردم که اینجا خیلی زندگی بهتری خواهم داشت. دل کندن برایم غیر ممکن است.
گودرز : اگر به من پیشنهاد خوبی برای ادامه تحصیل بشود حتما می پذیرم و امیدوارم که بعد از آن بتوانم برگردم و در ایران کار و زندگیم را ادامه بدهم .

برای مسیر آینده خود آیا فکری کرده اید و دوست دارید در چه رشته ای ادامه تحصیل بدهید ؟
گودرز : من خیلی علاقه مند به صنایع خودرو سازی هستم و دوست دارم تحصیلاتم را در مهندسی مکانیک وخودروسازی ادامه بدهم.
بهزاد : من هنوز تصمیمی در این مورد نگرفته ام و فعلا در حال شناخت رشته های مختلف هستم. ولی مطمئنا در یکی از رشته های مهندسی ادامه خواهم داد.
مازیار : من تصمیم قطعی نگرفته ام ولی من هم مهندسی مکانیک، صنایع یا عمران را مد نظر دارم.

آیا جامعه زرتشتی بستر مناسبی برای رشد استعدادهای درخشانی همانند شما است یا خیر ؟
گودرز : جامعه زرتشتی جامعه ای آزاد و شاد است و این امکان را به ما می دهد که مطابق با آموزه های اشوزرتشت درست بیندیشیم وراه درست را انتخاب کنیم .
بهزاد : در دوران راهنمایی که من در مدرسه رستم آبادیان بچه های زرتشتی زیادی بودند که شاید از لحاظ استعداد و هوش خیلی بهتر از من بودند ولی متاسفانه کسی به عنوان مشاور حضور نداشت و اگر پدر ومادر من نبودند من هم همانند آنها وارد همان راه یکسانی که همه می روند می شدم. خوب یک کارشناس و یا یک مشاور خوب می تواند راه های مناسبی را به دانش آموزان و یا والدین نشان بدهد ولی متاسفانه ما در جامعه چنین افرادی را در آن مقطع تحصیلی نداشتیم که به افراد باهوش واستعداد راه های مناسب برای ادامه تحصیل موفق را نشان بدهد.
مازیار : من از کودکی از پدرم یاد گرفتم که منتظر جامعه نمانم،تقصیرها را گردن کسی نینداخته و خودم راهم را انتخاب کنم. ما باید خودمان به دنبال پیدا کردن مسیرهای مناسب باشیم و در انتظار کمک کسی نمانیم. الان در مسیر المپیاد جرقه ای زده شده و با اطلاع رسانی مناسب به طور قطع در سال های آینده خبرهای بهتری در خصوص موفقیت دانش آموزان زرتشتی در المپیاد خواهیم شنید. ولی والدین و محصلان نباید منتظر کمکی از جانب جامعه باشند خودشان باید در این راه تلاش کنند تا موفق شوند.

توصیه پایانی :
گودرز : توصیه ام برای دانش آموزان این است که اگر هدفشان رسیدن به مدارج بالا است از تلاش دست نکشند . ما در المپیاد یاد می گیریم که تلاش لازمه موفقیت است نه طلایش (مدال طلا) .
بهزاد : پیشنهاد من به دانش آموزان زرتشتی این است که برای المپیاد دلهره نداشته باشند و زیاد نگران شکست نباشند .شرکت در آزمون ها المپیاد اعتماد به نفس مضاعفی به انسان می دهد و نحوه مطالعه برای المپیاد راه های جدیدی را برای درس خواندن پیش روی ما قرار می دهد.
مازیار : ما باید یاد بگیریم که کار نشد نداریم. موفقیت فقط شرکت در المپیاد نیست موفقیت فقط کسب مدارک نیست شاید تمام اینها یک پله از خوشبختی باشد ولی موفقیت مجموع تلاش های انجام شده در زندگی است .

داستان
خورشیدبانو (۱۶)

فرانک مهربانی

خواندیم که :
خانه پروین شلوغ بود و بچه هایش داشتند شام می خوردند تا زودتر بخوابند و پروین هم سرگرم رسیدگی به آنها بود..
وقتی خورشیدبانو گفت می رود و روز دیگری می آید، پروین در جوابش گفت:
- اتفاقا همین امروز می خواستم بیام خونه ات، حالا که اومدی، بمون تا بیام. کار مهمی دارم!
بعد هم رفت پی کارش و خورشیدبانو هم که بعد از ماجرای چند روز گذشته و حتی همان روز، حال و حوصله نداشت به پشتی تکیه داد و پاهایش را دراز کرد و نشست.
پروین گفت:
- خورشید بانو حدس بزن امروز کی اومد خونه ما؟
- من چطور حدس بزنم!
پروین لبخندی زد و گفت:
- همان خانم مسن را می گم که با دخترش روز مهرگان اومدن. همونایی که برای برادرشون خداداد دنبال زن می گشتند، حالا متوجه شدی؟!
بعد هم شروع کرد که:
- اسم اون خانم دولت است، اسم دخترش هم کیان بانوست و هنوز ازدواج نکرده. او آهسته در آشپزخانه در گوشی به من گفت که چون مادرش بیمار است و خداداد تنها پسر خانواده است و می خواهد عروسی او را ببیند، از این نظر کمی عجله دارند.
- خورشیدبانو زیر لب گفت: خوب آخرش چی شد؟ چی گفتن؟ حالا که اونا همه کاره اند!
پروین خیره نگاهش کرد، خوب احساس دوستش را می شناخت. رویش را به سمت خورشیدبانو گرداند و در حالیکه به چشم هایش خیره بود گفت:
- تازه سر این آقا پسر چهل و چند ساله دعواست!
هر دو ساکت بودند و هر کدام در اعماق وجودشان در جست و جوی راه حلی بودند تا اینکه بالاخره پروین سکوت را اینگونه شکست:
- ببین خورشیدبانو نمی دونم تو چطور به این قضیه فکر می کنی و برای آینده ات چه فکری داری؟ حتی نمی تونم بگم از این بابت خوشبختی به تو رو کرده یا نه؟! اما امروز این مادر و دختر اومدن و درباره تو از سیر تا پیاز زندگیت پرسیدن بعد هم از هر دری حرف زدن. من هم کار داشتم و هی این پا اون پا می شدم، فهمیدن و بلند شدن، وقتی دختر داشت خداحافظی می کرد آهسته گفت:
- از اون خانم - منظورش تو بود- بپرس که جوابش چیه و جوری گفت که اونا عجله دارن و کس دیگه ای را هم زیر سر دارن که اگه نشد سراغ اون برن.
خلاصه نمی دونم چی بگم، من خیلی دوستت دارم اما زندگی خودته، حالا که بعد از این همه مدت نوبت تو رسیده، این تویی که باید قبول کنی، البته اگه راضی باشی، اون هم خیلی سریع، تا سه روز دیگه جواب می خوان. اگه من جای تو بودم با همه سختی هایی که کشیدی، قبول می کردم، حالا جواب تو چیه؟

امروز، روز سوم بود و خورشیدبانو باید جواب می داد. دو روز گذشته را به سختی گذرانده بود و آنقدر در بیمارستان بالا و پایین رفته بود و برای خودش کار تراشیده بود که خسته و کوفته، بدون هیچ فرصتی برای فکر کردن، گذشته بود. اما، به هر حال امروز می بایست جواب می داد.

آبان ماه رسیده بود و با آمدنش باران هدیه آورده بود. تمام دو روز گذشته به شدت باران باریده بود و برگ ها را تارانده و زمین به نقش رنگین برگ ها آراسته شده بود. روز سوم که وقت جواب دادن خورشیدبانو بود، باد تندی از صبح آغاز به وزیدن کرده بود که حکایت از بارش برف در کوه های دوردست داشت.

خورشیدبانو ژاکتی به رنگ صورتی تیره که ظریف بافته شده بود را با یک دامن پشمی تنگ و بلند که ساق پاهایش را می پوشاند به تن کرد و با کفش های ورنی مشکی و یک روسری ساتن مشکی با حاشیه طوسی رنگ، آراسته و زیبا شد. طراوت باران و خنکی باد به جای آنکه او را به شوق آورد، دلش را به درد می آورد.

از ایستگاه اتوبوس رد شد و تصمیم گرفت کمی پیاده راه برود. عجله ای برای رسیدن نداشت، اما باید خیلی زود تصمیمش را می گرفت. همان طور که آرام قدم برمی داشت و سرش پایین بود، خاطرات، او را به سال های دور بردند. یاد آن روزی افتاد که مادر به سختی بیمار بود و در رختخواب خوابیده بود، چند سالی از ماجرای او و سهراب می گذشت و مادر اینطور وانمود می کرد که موضوع فراموش شده است. یادش آمد که آخر گهنبار آبان ماه، هوا سرد بود و سوز برف می آمد، در خانه اردشیر که یکی از اقوام دورشان بود گهنبار داشتند و مادر نمی توانست به گهنبار برود و او پیش مادر ماند و اتاق را با چوب هایی که در منقل سرخ رنگ شده بودند، گرم می کرد که خانمی هم سن و سال مادرش با سر و صدا وارد اتاق شد و احوال مادر را پرسید و آهسته در گوش او چیزی گفت. مادر، خورشیدبانو را برای درست کردن چای به آشپزخانه فرستاد و وقتی که برگشت آن خانم رفته بود. آن روز متوجه نشد که او را بیرون فرستاده اند تا صحبت هایشان را نشنود اما به خاطر آورد که چند روز بعد مادر با ترش رویی و عصبانیت برای خواهر شوهرش تعریف کرد:

- مردک پیر خجالت نمی کشد، با سه تا بچه، دختر مرا برای جانشینی می خواهد و وقتی خورشیدبانو وارد اتاق شد هر دو ساکت شده بودند....

- آهان! فهمیدم، جمشید، آن مرد قد کوتاه همسایه پشت خانه شان خواستگار من بوده!

ولی مادر هیچ وقت چیزی به او نگفته بود و یکی دو سال پیش موضوع را فهمید، آن هم از زبان عمه اش که از سر بدجنسی یا دلسوزی یا هر چیز دیگر قضیه را تعریف کرده بود. تازه از اینکه مادرش، جمشید بمان (نام مستعار)، را جواب کرده بود او را سرزنش می کرد و برای اینکه دل خورشیدبانو زا بسوزاند تعریف کرد که همین جمشید به خاطر کینه از مادرش چند خواستگار خورشیدبانو را از کارشان منصرف کرده بود و خودش هم همسری نگرفته و منتظر خورشیدبانو مانده. عمه می گفت که هنوز وقتی جمشید مرا می بیند مفصل احوال پرسی می کند و همیشه اول هم حال تو را می پرسد و با کنایه می گوید که خورشیدبانو کی خسته می شود و به ده بر می گردد؟

بارش شدید باران او را به زمان حال باز گرداند و مجبور شد چترش را باز کند. اما دانه های درشت باران در سرما شبیه تگرگ شده بود و با صدای تق تق او را زیر سقف بالکن یک خانه کشاند.

دیگر آفتاب روزهای کوتاه پاییزی رمقی برای ماندن نداشت و آسمان رو به تاریکی می رفت. خورشیدبانو خیلی صبر کرد تا ابرها از هم باز شدند و این بار ستاره ها یکی یکی دیده شدند و ماه قرص کامل خودش را نشان داد. بوی تند خاک باران زده، بوی درخت ها و علف های تر، همه و همه را خورشیدبانو با نفس عمیق فرو داد و راه افتاد، باید کاری می کرد. آهی کشید!

- خدایا چه کار کنم، خوشبختی آدم ها در چیست ؟

مفهوم شادی، خانواده داشتن، تنها نبودن، احساس دوست داشتن و دوست داشته شدن، معنی تمام سعادت است؟ خیلی احساساتی شده بود، لبخند تلخی زد و به خودش گفت:

- چه خبره، اینا که تو می گی کدومشون برات واقعی اتفاق افتاده؟ تو مجبوری بگی بله و بقیه عمرت را با مردی که حتی یه کلمه با او حرف نزدی و نمی شناسیش زندگی کنی یا بگی نه و بعد راهت را بگیری و همین زندگی الانت را ادامه بدهی اما تا کجا؟! به پیری و تنهایی که می رسی چه کار می کنی؟

بعد بلند گفت:

- آخه من نمی دونم حتی اون چه کاره است؟ چقدر سواد داره؟ به خاطر چی می خواد با من ازدواج کنه؟

در این فکرها به سر می برد که ناگهان دید مرد قد بلند مستی با سبیل های بلند و پیچ دار دارد او را مات و مبهوت نگاه می کند.

- با من بودید خانم؟!

انگار از خورشیدبانو بدش نیامده بود! خورشیدبانو به یاد نوجوانی اش عشوه ای زیبا کرده و خندید:

- خیر! آقای محترم با خودم بودم !

خورشید بانو از وقتی که در خانه را باز کرد و وارد شد، حواسش سر جایش نبود، ژاکت خیسش را در آورد و آن را روی پشتی صندلی آویزان کرد و صندلی را نزدیک بخاری برد تا ژاکتش خشک شود، اما بخاری نفت نداشت و خاموش شده بود. رفت و از کنار حیاط پیت نفت را آورد تا داخل بخاری بریزد.

جوراب هایش را که از پا در آورد، متوجه دررفتگی آنها شد و برای دوختنش بایست نخ نایلون یک جوراب کهنه را می کشید و با یک سوزن ریز جوراب را ظریف می دوخت تا وصله اش معلوم نشود.

سرش را بیهوده گرم می کرد در حالی که همه فکر و حواسش به این بود که خودش را به نفهمی زده و به قولی که به پروین داده بود عمل نکرده و به خانه آنها نرفته بود. وقتی جورابش را دوخت، از جا بلند شد تا لباسش را عوض کند. پروین منتظرش بود، او این موضوع را خوب می دانست و از این رو عصبی بود و پاهایش را به شدت تکان می داد.

برای آنکه کمی آرام شود توی رختخوابش دراز کشید و خیلی زود به خواب رفت.

هوای سرد، بادی که دزدکی پنجره را باز کرد و ماه که تمام تختش را روشن کرده بود، دست به دست هم خورشیدبانو را بیدار کردند. او هول کرده بود و قلبش داشت تند تند می زد، حالا چه کار کند؟ بلند شد و ساعت شماطه دار را نگاه کرد، ده شب بود، لب هایش را گاز گرفت و همانجا نشست، خیلی دیر بود، کاری از دستش بر نمی آمد.

تمام شب را با آنکه توی رختخواب بود نخوابید، چشم هایش باز بود و آنقدر پهلو به پهلو شد تا اولین شعاع های خورشید آسمان را روشن کرد. از جا بلند شد، بی خیال شده بود و درست مثل یک عروسک کوکی حاضر شد تا سر کار برود. همان ژاکت و بلوز و دامن قشنگش را پوشید اما جلوی آینه نرفت، انگار از خودش خجالت می کشید.

چون وقت کافی داشت پیاده رفت، تمام روز در بیمارستان آنقدر سرش شلوغ بود که فرصت فکر کردن را پیدا نکرد. موقع پسین وقتی داشت لباس هایش را عوض می کرد، باز هم تصمیمی نگرفته بود و طوری رفتار می کرد که اوقات آرامی است و او دارد کار روزانه اش را انجام می دهد.

از در خارج شد و پله های بیمارستان را پایین آمد، برای دربان سری تکان داد و در طول خیابان کنار نرده های بیمارستان به راه افتاد. نگاه بی روحش چیزی را جستجو نمی کرد، فقط فریادی در گوشش می گفت دیرشد- دیرشد.

متوجه نشد، صدایی آمد و دستی بر شانه هایش خورد، بی اختیار ایستاد. ضربان قلبش دوباره بالا رفت.

«جاده خاکی»

●●●کودک نفهم

اَه اَه اَه باز این عید تموم شده می باشد. امسال تموم عید دلم به آقای کلاه قرمزی خوش بود . نمیدونم چرا امسال عیدکاسبی خوب نبود. مردم چقدر خسیس شده می باشند. من خیلی ناراحت می باشم. دیروز هم آخرین زورم رو برای گرفتن عیدی زدم و در یک اقدام خودجوش به آقا مدیر مسئول گفتم که می خواهم برای عید دیدنی به خونه شون بروم ولی اونهم چنان برخورد محبت آمیزی داشت که یهویی پشیمون شدم و خواستم بهش هزارتومن هم عیدی بدم . یکبار هم به بابایم گفتم که ما چرا مسافرت رفته نمی باشیم ؟ بابایم هم کانون گرم خانواده مارو چنان گرمتر کرد که یهویی همگی ما گرما زده شدیم . هنوز هم به خاطر این محبت های نوروزی من مریض شده می باشم و می خواهم بروم بخوابم . ولی قبلش خواستم صحبت های خودم با بابایم رو براتون به صورت شعر بنویسم.

خدا جونم چرا لِنگ در هوایم
سرم بشکسته ، میخ رفته به پایم
ببین گیج میزنم هرروز وهر شب
خدا جونم تو میدونی کجایم ؟
بابایم مث یک خر مونده درگِل
شده ماشین داغون بی هندل
به فرقش خورده بشقاب وملاقه
زدست مادرم گشته خُل و چِل
بهش میگم : که این عید همَ تموم شد
تو این تعطیلی ها عمرم حروم شد
چرا دریا نمیریم سالی یکبار
ته آب بازیمون طشت حموم شد
بهم میگه : که خرج تو زیاده
با انگشتت حساب کن خیلی ساده
ببین بچه دوسه میلیونی میشه
ولی دوزار به هیچ کس سود نداده
همین خرج کلاس ودرس و تدریس
بااون پولی که میدیم واسه سرویس
کنارش جمعه ها ودرس دینی
نداری حافظه یک گوشه بنویس
ببین خرجت زیاده جان بابا
دارم دلواپسی من واسه فردا
با این مغز خرابی که تو داری
نداری هیچ امیدی توی دنیا
با این حرف بابا حالم خراب شد
یه جام سوخت ودلم خیلی کباب شد
به من چه انجمن حرفی اگر زد
به من چه فکر تو نقش برآب شد
مصوب شد اگر بچه بیاری
بهت پاداش میدن پونصدهزاری
مامان زائید منو با صدهزار شوق
ولی بدجوری موندی توخماری
به من چه انجمن از چشمت افتاد
به من چه طرح سوبسید هم برافتاد
تواین جمع میزنی هی توسرمن
به من چه تُف کفِ دستت نیافتاد
میگم : بابا بده زودی جوابم
میگه :خوب قصه گفتی ، برده خوابم
خودم دارم گلایه زین جماعت
ازاین سردرگمی ها در عذابم
یه سایت جای خبرهی عکس میزاره
یکی دیگه کلاس رقص میزاره
یکی دیگه سیاست داره اما
واسه رسوایی ، تیتر بد میزاره
یه ماهنامه خبر داره خلاصه
یکی چاپ میشه رو برگ گِلاسه
رقابت می کنند با چنگ و دَندون
که شاید این وسط چیزی بماسه
یه عمره کارگروه وقف داریم
تو موقوفات هزارتا حرف داریم
از این حق وحقوق چیزی ندیدیم
میگن تعجیل چرا؟ ما وقت داریم
یکی موبد میخونه از ته دل
یکی دیگه صدایش داره مشکل
ندارند تاب موبدیار زن رو
بهونه می تراشند ناز و خوشگل
تو بوق کردیم که آئین نامه داریم
واسه ورزش هزار برنامه داریم
با صد تعریف یکی کرد انتقادی
پیچوندیم نسخه شو ، ما مَرد کاریم
یه سازمانی همیشه تور میزاره
یکی بزم و یکی فست فود میزاره
همه سرگرم ، سرگرم کردن ما
ببین رفتیم سرکار ، کی بیکاره ؟
یه جا میگه نداریم پول سرویس
برای مدرسه بودجه دیگه نیس
میگیرن پول ازت با منت و خشم
ولی برنامه ای نیست واسه تدریس
یه جا از خیرین پول در میاره
ولی مِلک هارو میده مُفت اجاره
کجا دَیدی چنین گیج بازی هارو
شده دردی که هیچ درمون نداره
ماروگول میزنند با زحمت وزور
از اون بدو تولد تا دم گور
که راستی بوده کار وپیشه ما
نصیحتِ می کنند: باشیم همازور
بابایم گر گرفته مثه آتیش
میگه شانسم نداریم ما خدائیش
همه رفتند از این آشفته بازار
دیگه بستن هایاس و راه اتریش
عجب گیر افتادم از دست بابا
فقط گفتم بریم رو سوی دریا
زده توجاده خاکی هِی می گازه
نخواستیم ما ، غلط کَردم خدایا

● افقی

۱. در گرانبهای دریایی- دیرینه، کهن
۲. شاعر نوپرداز- خانه ترکی
۳. همان بس است- رنجاندن کسی- درخت بی بر، چوب پوسیده
۴. سیما- واحد مسافت- آش- گوهرها
۵. عملی در باغبانی- گوناگون- میوه ای بهشتی
۶. فرعون مصر- خیره شدن- مونث نفیس
۷. واحدی در کامپیوتر- شعری از احمدشاملو در مجموعه هوای تازه- سوپ
۸. ظاهر ساختمان- ظرف روغن ولی در هم
۹. گرمی، حرارت- آسیابانی که قاتل یزدگرد سوم شد- پسر کاوه آهنگر
۱۰. می فروش- اصل هر چیز- افسانه و پهلوانی در اساطیر یونان
۱۱. امیر، بزرگ- حکم ران- چهره ولی برعکس
۱۲. بخشش- جامدی ژلاتین مانند که مصارف مختلفی دارد- چهاردهمین حرف لاتین- به معنای مقدس پاک وبهشتی
۱۳. نشانه مفعول بی واسطه- نمایش نامه ای از بهرام بیضایی- عدد فوتبالی
۱۴. رونده، کوشا- پهلوانی در شاهنامه
۱۵. کتابی از موریس مترلینگ- ثروتمند هندی

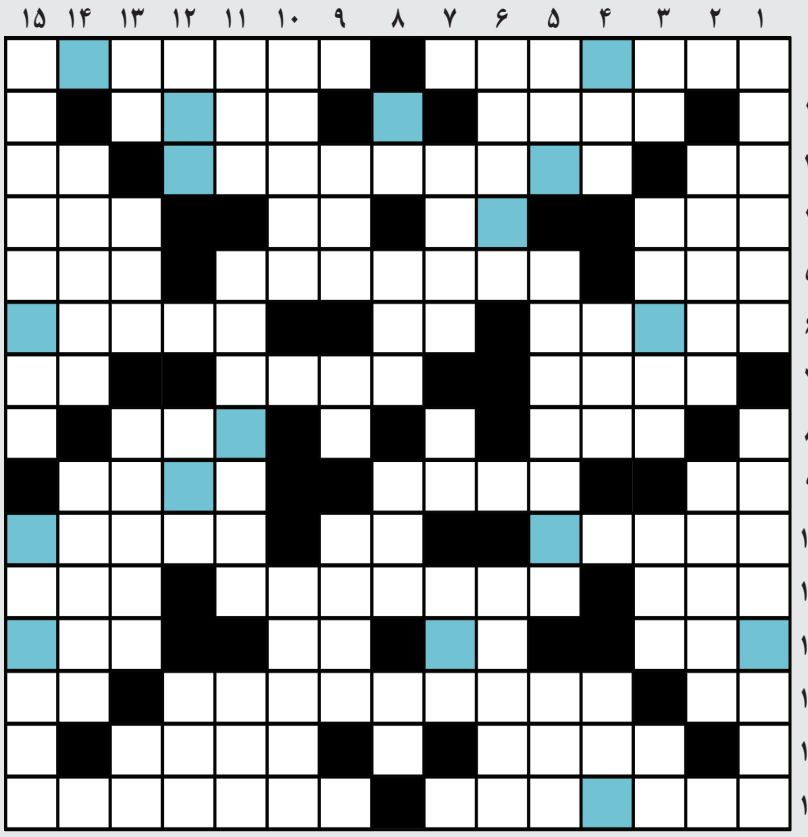

● عمودی

۱. یکی از پادشاهان پیشدادی- یکی از آتش های آیینی وشاید مهمترین آن
۲. قهرمانی در شاهنامه- فریبنده
۳. خودرو برای حمل و نقل- مخفف ریسمان- مخفف آگاه- لبریز
۴. کلمه پرسش- نقره- گیسوی شاعرانه
۵. کد- روز قیامت- مکر
۶. دوستان- جمع کلمه مژه
۷. یکی از شهرهای استان خراسان رضوی- بدی- نوعی شیمی
۸. روستا- کوهی دراروپا- بدهی- فیلمی سیاسی
۹. خود خواهی- خاک صنعتی- در دست شماست
۱۰. کشوری در آسیا- با مینو اندیشه بد می شود
۱۱. منفعت- مجرم- بالغ
۱۲. قطار- نوبت بازی- ترد ولی در هم ریخته
۱۳. ضمیر متصل- یک دهم متر- پسر کوروش- ضمیر جمع
۱۴. افسونگر- شنونده خوب
۱۵. در تابستان خوردنش می چسبد- گوشه ای دردستگاه راست پنجگاه از موسیقی اصیل ایرانی

ن	ا	د	ن	ز	ی	ا	ه	ه	ر	ا	پ	ق	ر	و
ا	ت	ی	و	ا	س		م		ه	ب	ا	د	و	ر
ش	ش		ش	ی	ر	س		ی	ن	ا	م		ا	ج
ی	ک	ن	ا	ر		د	ل	ا		ن	ا	ز	ی	م
ا	د	و	ب		و	د	غ	و	د		ل	م	ا	ک
ن	ه	ر		ا	ب	ز	و	ر	و	ن		ی	ت	ر
ه		و	ل	س	ا				م	د	ا	ن		د
	ه	ز	ا	ت						ا	ی	س	ا	
ب		ن	ی	ا	ر				ل	ب	ا	و		ا
ر	م	ا		ن	ی	خ	ج	س	ت	ه		خ	ر	ف
ز	و	م	ت		گ	ن	ش	و	ه		م	ت	ی	ر
ی	ل	ه	ا	ج		ا	ن	ی		ه	ل	ه	ا	و
س	ی		ر	ا	ه	ق		د	ا	د	و		ک	د
و	ا	ن	م	ز	ر		م		ی	ی	ا	ر	ا	ی
ه	ن	ا	ی	م	ا	ع	ی	ا	ه	ه	ن	ا	ر	ت

●●● طراح جدول : سهراب باستانی

پاسخ جدول شماره قبل ←

● پس از حل کامل جدول در خانه های رنگی ۱۷حرف مشخص خواهد شد. با کنار هم قرار دادن این حروف به رمز جدول که اثری ارزشمند از روانشاد موبد اردشیر آذرگشسب است، دست می یابید. رمز جدول را به همراه مشخصات و شماره تلفن، به آدرس پست الکترونیکی info@parsnameh.ir ارسال فرمایید.

کـدخـدا

●●● بهرام دمهری

با شادباش سال نو، با خود گفتم از دهه سی و خاطرات آن دوران کمی در آیم و از تجربیات نزدیک تر بنویسم. ولی اظهار نظر چند تن از دوستان که با لطف همراه بود، مرا وا داشت تا آن دوران را ادامه بدهم. در روزهای نوروز نظرات مردم را گوش دادم و نکات جالبی دریافتم. در اینجا خاطرات یکی از آن عزیزان را نقل می کنم که ما را به دهه ای پیش تر از دهه سی می برد.

آن زمان ها چون هنوز در بعضی از محلات انجمن تشکیل نشده بود کدخدا حاکم بود. افراد دیگری نیز به غیر از کدخدا دارای مسئولیت اجتماعی و اقتصادی بودند. اول، دهموبد بود که امور مذهبی ده را عهده دار بود و علاوه بر روشن نگاه داشتن آتش آدریان، در مراسم آیینی نیز همکار دستوری بود که از شهر می آمد و به دلیل دوری راه، پنج روز گاهنبار را در ده و در خانه دهموبد می ماند. دهموبد علاوه بر دریافت هزینه های یک مراسم، در برخی مواقع چند قطعه زمین به همراه آب مورد نیاز موقوفه دربمهر، هم به ایشان واگذار می شد تا با کشاورزی گذران زندگی کند. دهموبد علاوه بر سرپرستی دربمهر، در برخی مراسمی که حضور دستور لازم نبود، به اجرای مراسم می پرداخت، مخصوصا» هنگام درگذشت یک نفر. تا آمدن دستور او در خانه درگذشته حاضر می شد و کارهای اولیه را انجام می داد. همچنین در مواردی که بین افراد اختلافی پیدا می شد، پا در میانی می کرد و با ریش سفیدی مسئله را حل می کرد. دهموبد حتی از طرف خانواده داماد به خواستگاری می رفت و برخی از آنها هم به بچه ها اوستا یاد می دادند.

یکی دیگر از افرادی که در ده صاحب شغل بود، میراب بود. او بایستی بر تقسیم آب و لایروبی قنات و استخدام مقنی و سایر مواردی که مربوط به آب و قنات می شد، نظارت می کرد تا حقی از کسی ضایع نشود. آب حیاتی ترین نقش را در کشاورزی کویر ایفا می کند، به ویژه در زمانی که ساعت نبود. آن روزها با دستگاه ساده و ابتدایی به نام «سبو» زمان را اندازه گیری می کردند.

دشتبان، هم به کسی می گفتند که بر صحرا و کوچه باغ ها نظارت می کرد تا دزدها و حیوانات وحشی به کشتزار مردم دستبرد نزنند. شغل اصلی دشتبان نگهبانی بود ولی بشنوید از کار دشتبان محله ما. دشتبان محله ما علاوه بر مراقبت از هندوانه و خربزه، مواظب کیسه های تریاک قاچاقی هم بود که در بین خرمن های گندم قایم کرده بود تا اینکه روزی صاحب یکی از خرمن ها شبانه خرمن را خرد می کند. صبح روز بعد برای جدا کردن گندم از کاه چند نفری به صحرا مراجعه می کنند و می بینند که قاطی گندم دانه های دیگری هم هست. چند روزی کار آنها جدا کردن نرمه های تریاک و شستن گندم ها بود.

این مجموعه سه نفری یعنی میراب، دهموبد و دشتبان از طرف مردم سهمیه داشتند که در موقع برداشت گندم به صورت جنس یا معادل آن پول دریافت می کردند ولی کدخدا حکایت دیگری داشت.

محله ما، سیصد نفری، جمعیت داشت و همه کشاورز بودند. کدخدا مردی بود که خود را عقل کل می دانست، در همه امور دخالت می کرد و خودش را قیم و بزرگ ده می دانست. کسی او را انتخاب نکرده بود (اگرچه در آن زمان انتخابات معنا نداشت) خودش با چند نفر گروهی شده بودند و ده را در اختیار داشتند. این شخص شاید هماهنگ کننده بود، شاید هم به نوعی رابط حکومت و مردم، چون او منصوب مقامی بالاتر به نام کلانتر بود و ایشان تنها کسی بود که مستقیما به باغ دولت آباد رفت و آمد داشت. وقتی ژاندارم ها برای سرباز گیری و بردن به اجباری به ده می آمدند یک راست می رفتند خانه کدخدا. او روز بعد به در خانه کسانی می رفت که پسر هجده سال به بالا داشتند، اخطار اول را اعلام می کرد که پسر شما باید برود اجباری ولی راه فرار را هم نشان می داد. مقداری پول، چند من گندم و کله قندی، چند ماهی، کار اجباری را عقب می انداخت.

مرتبه دوم آنها را می ترساند که «سرکار» گفته اگر پسرتون خودش را معرفی نکند می آیند در خانه و او را با دستبند می برند. دوباره التماس و درخواست شروع می شد. این جنگ و گریز ادامه داشت تا اینکه پسر بدبخت یا اجباری می رفت، یا دیوانه می شد یا به کمک همین کدخدا راهی هند و پاکستان می شد.

شخصی که این مطالب را بازگو می کرد می گفت: کسانی را می شناسم که در هند و پاکستان صاحب زن و زندگی شده اند با اینکه یکی از آنها هفتاد سال سن دارد باز هم می ترسد به یزد بیاید که شاید او را به سربازی ببرند! در محل ما روانشاد گوهر خانم به پسر دو ساله اش می گفت: امیدوارم هیچ وقت بیست ساله نشوی تا به اجباری نروی!

کدخدا در کار خرید و فروش هم دخالت می کرد. درصدی می گرفت و معامله را جوش می داد، تهدید هم می کرد. آن روزها که حرف سیاسی و وابستگی به دسته و گروه وجود نداشت، اگر کسی گرایش به مذهب، فرقه یا آیینی داشت، کدخدا آنها را می ترساند که اگر دولت بفهمد چه کارها که نمی کند! ولی خودش پنهانی از آنها پول می گرفت تا آنها نشست تشکیل دهند.

خدایش بیامرزد، مهربان که شخص خوبی بود، از صبح تا غروب به همه خانه ها از هر دین و آیین و فرقه ای می رفت و با آنها هم صحبت می شد. روزی کدخدا از او پرسیده بود، مهربان، تو چه دینی داری؟ مهربان گفته بود هر دینی که شما بفرمایید!

زن کدخدا هم در همه امور همراه او بلوا درست می کرد. ایشان ادامه داد و گفت: کدخدای محله ما تا روزی که کدخدا بود، همه این خصلت ها را داشت. از روزی که انجمن، هرچند نیم بند، روی کار آمد و کار گروهی شد، او دیگر طاقت نیاورد. هر جا می نشست به انجمن بد می گفت و به اعضای آن توهین می کرد. باز هم مردم او را تحمل می کردند، ولی از روزی که کمر به نابودی ده، محله، دین و ایمان بست، مردم با او به مقابله برخاستند و می گفتند: دیوانه شده و کسی به حرفش گوش نمی داد. هر جا می رفت، مردم از او فاصله می گرفتند، جوانان هم سر به سرش می گذاشتند و کاری کردند تا از ده و محله ما رفت و سال ها بعد در غربت و تنهایی مرد.

این نقل را که شنیدم به یادم آمد که می گویند: تاریخ تکرار می شود. جالب است، نه!

● پارس نامه
ماهنامه خبری پژوهشی تحلیلی
شماره سی و چهار - فروردین ۱۳۹۱
● صاحب امتیاز و مدیر مسئول :
دکتر اسفندیار اختیاری
● زیر نظر شورای سر دبیری
● صفحه آرا :
شادی عبد شریف آبادی
● همکاران :
همراهان تارنمای برساد
● آدرس : یزد - صفائیه - خیابان استاد احمد آرام - کوی استادان - کوچه هنر ۶
● کد پستی : ۸۹۱۵۸۱۷۱۱۳
● تلفکس تهران : ۸۸۳۵۲۱۵۳ - ۰۲۱
● تلفن : ۸۲۱۰۸۸۱ - ۰۳۵۱
● دورنگار : ۸۲۱۰۸۷۹ - ۰۳۵۱
● پیام نگار : ۰۹۳۵۵۴۶۶۴۱۵
● صندوق پستی : ۸۹۱۹۵/۱۵۴
● پست الکترونیکی :
info@parsnameh.ir
پارس نامه در ویرایش نوشته ها آزاد است و همه ی نوشته ها دیدگاه پارس نامه نیست.

از کلیه دوستداران و علاقه مندانی که پارس نامه را دریافت نمی کنند یا نشانی یا پلاک آنها تغییر کرده تقاضا می شود نشانی کامل خود را به پست الکترونیکی نشریه info@parsnameh.ir ارسال نمایند یا به شماره های دفتر نشریه اطلاع دهند.

پارس نامه در نظر دارد در شماره ای به انعکاس خاطرات تلخ و شیرین دوران دانشجویی بپردازد. از همه دوستداران و علاقه مندان دعوت می شود، خاطرات دوران دانشجویی خود را به پست الکترونیکی نشریه ارسال نمایند.
پارس نامه از نوشته ها، خاطرات و مطالب شما در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، دینی و ... استقبال می کند.

آموزش دف (بداخ)
شماره تماس:
۰۹۱۲۲۷۶۸۸۱۵